

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا^۱ (CISG)

مترجمین

دکتر ابراهیم شعاریان^۲

دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

فرشاد رحیمی^۳

دستیار تحقیق در حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه تبریز

با آنکه متن کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا پیش از این به صورت غیر رسمی توسط دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ایران به فارسی ترجمه شده است، اما در خلال تألیف کتاب مشترک تحت عنوان حقوق بیع بین‌المللی اشکالات متعدد ترجمه فارسی ملاحظه گردید و بر این اساس متن کنوانسیون با دقت تمام مورد ترجمه مجدد قرار گرفت. در ترجمه حاضر علاوه بر متن انگلیسی کنوانسیون، از نسخ فرانسوی، عربی و ترکی نیز برای اطمینان از صحت ترجمه استفاده به عمل آمده است و ایرادات اساسی ترجمه قبلی فارسی به صورت پاورقی توضیح داده شده است.

دسامبر ۲۰۱۳

استفاده و نقل از این ترجمه بدون ذکر منبع آن مجاز نیست

-
- 1- United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)
 - 2- PhD in Private Law, Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, e_shoarian@tabrizu.ac.ir
 - 3- LL.B in Law (University of Tabriz) Research Assistant in International Business Law, Department of Law, University of Tabriz, Farshadrahimi1990@gmail.com



United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)

Farsi Translation

by

Ebrahim Shoarian Sattari⁴

Farshad Rahimi⁵

Despite the fact that the text of the United Nations convention on contracts for the international sales of goods has already been translated into Farsi by the Bureau of International Legal Services of the Islamic Republic of Iran un-officially, however during compilation of our common book entitled international sales law, we found many drawbacks in that translation. As a result we made a decision to re-translate it. In this connection we attempted to accomplish that in the most accurate way. In doing so, along with English text of the convention we made use of French, Arabic and Turkish versions of the convention to ensure the accuracy of the translation. It is also noteworthy that the main drawbacks of the previous translation have been come in the form of footnote.

December 2013

4- PhD in Private Law, Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, e_shoarian@tabrizu.ac.ir

5- LL.B in Law (University of Tabriz) Research Assistant in International Business Law, Department of Law, University of Tabriz, Farshahimi1990@gmail.com

مندرجات

مقدمه ۱

بخش اول: قلمرو اعمال و مقررات کلی ۱

فصل اول: قلمرو اعمال ۱

ماده ۱ ۱

ماده ۲ ۲

ماده ۳ ۳

ماده ۴ ۳

ماده ۵ ۴

ماده ۶ ۴

فصل دوم: مقررات کلی ۴

ماده ۷ ۴

ماده ۸ ۵

ماده ۹ ۶

ماده ۱۰ ۶

ماده ۱۱ ۷

ماده ۱۲ ۷

ماده ۱۳ ۷

بخش دوم: انعقاد قرارداد ۷

ماده ۱۴ ۷

ماده ۱۵ ۸

ماده ۱۶ ۸

ماده ۱۷ ۸

ماده ۱۸ ۹

ماده ۱۹ ۹

۱۰.....	ماده ۲۰.....
۱۰.....	ماده ۲۱.....
۱۱.....	ماده ۲۲.....
۱۱.....	ماده ۲۳.....
۱۱.....	ماده ۲۴.....

بخش سوم: بیع کالا..... ۱۱

فصل اول: مقررات کلی..... ۱۱

۱۱.....	ماده ۲۵.....
۱۳.....	ماده ۲۶.....
۱۴.....	ماده ۲۷.....
۱۴.....	ماده ۲۸.....
۱۴.....	ماده ۲۹.....

فصل دوم: تعهدات فروشنده..... ۱۵

۱۵.....	ماده ۳۰.....
---------	--------------

قسمت اول: تسلیم کالا و تحویل اسناد..... ۱۵

۱۵.....	ماده ۳۱.....
۱۵.....	ماده ۳۲.....
۱۶.....	ماده ۳۳.....
۱۶.....	ماده ۳۴.....

قسمت دوم: انطباق کالا و ادعاهای ثالث..... ۱۷

۱۷.....	ماده ۳۵.....
۱۸.....	ماده ۳۶.....
۱۸.....	ماده ۳۷.....
۱۸.....	ماده ۳۸.....
۱۹.....	ماده ۳۹.....
۱۹.....	ماده ۴۰.....
۱۹.....	ماده ۴۱.....

۱۹.....	ماده ۴۲.....
۲۰.....	ماده ۴۳.....
۲۰.....	ماده ۴۴.....
۲۱.....	قسمت سوم: ضمانت اجرای ناشی از نقض قرارداد توسط فروشنده.....
۲۱.....	ماده ۴۵.....
۲۱.....	ماده ۴۶.....
۲۲.....	ماده ۴۷.....
۲۲.....	ماده ۴۸.....
۲۲.....	ماده ۴۹.....
۲۳.....	ماده ۵۰.....
۲۴.....	ماده ۵۱.....
۲۴.....	ماده ۵۲.....
۲۴.....	فصل سوم: تعهدات خریدار.....
۲۴.....	ماده ۵۳.....
۲۵.....	قسمت اول: تأدیه ثمن.....
۲۵.....	ماده ۵۴.....
۲۵.....	ماده ۵۵.....
۲۵.....	ماده ۵۶.....
۲۵.....	ماده ۵۷.....
۲۵.....	ماده ۵۸.....
۲۶.....	ماده ۵۹.....
۲۶.....	قسمت دوم: قبض کالا.....
۲۶.....	ماده ۶۰.....
۲۶.....	قسمت سوم: ضمانت اجرای ناشی از نقض قرارداد توسط خریدار.....
۲۶.....	ماده ۶۱.....
۲۷.....	ماده ۶۲.....
۲۷.....	ماده ۶۳.....
۲۷.....	ماده ۶۴.....

۲۸.....	ماده ۶۵.....
۲۹.....	فصل چهارم: انتقال ضمان معاوضی.....
۲۹.....	ماده ۶۶.....
۲۹.....	ماده ۶۷.....
۲۹.....	ماده ۶۸.....
۳۰.....	ماده ۶۹.....
۳۰.....	ماده ۷۰.....
۳۰.....	فصل پنجم: مقررات مشترک حاکم بر تعهدات فروشنده و خریدار.....
۳۰.....	قسمت اول: نقض قابل پیش بینی و قراردادهای اقساطی.....
۳۰.....	ماده ۷۱.....
۳۱.....	ماده ۷۲.....
۳۲.....	ماده ۷۳.....
۳۲.....	قسمت دوم: خسارات.....
۳۲.....	ماده ۷۴.....
۳۳.....	ماده ۷۵.....
۳۳.....	ماده ۷۶.....
۳۳.....	ماده ۷۷.....
۳۴.....	قسمت سوم: بهره.....
۳۴.....	ماده ۷۸.....
۳۴.....	قسمت چهارم: معافیت ها.....
۳۴.....	ماده ۷۹.....
۳۵.....	ماده ۸۰.....
۳۵.....	قسمت پنجم: آثار فسخ.....
۳۵.....	ماده ۸۱.....
۳۵.....	ماده ۸۲.....
۳۶.....	ماده ۸۳.....
۳۶.....	ماده ۸۴.....

قسمت ششم: محافظت کالا ۳۶

ماده ۸۵ ۳۶

ماده ۸۶ ۳۷

ماده ۸۷ ۳۷

ماده ۸۸ ۳۷

بخش پنجم: مقررات نهایی ۳۸

ماده ۸۹ ۳۸

ماده ۹۰ ۳۸

ماده ۹۱ ۳۸

ماده ۹۲ ۳۹

ماده ۹۳ ۳۹

ماده ۹۴ ۴۰

ماده ۹۵ ۴۰

ماده ۹۶ ۴۰

ماده ۹۷ ۴۱

ماده ۹۸ ۴۱

ماده ۹۹ ۴۲

ماده ۱۰۰ ۴۳

ماده ۱۰۱ ۴۳

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا

مقدمه

کشورهای متعاهد کنوانسیون حاضر،

با توجه به اهداف کلان قطعنامه مصوب ششمین جلسه خاص مجمع عمومی سازمان ملل متحد راجع به ایجاد نظم نوین اقتصاد بین‌المللی،
با در نظر گرفتن اینکه توسعه تجارت بین‌الملل بر مبنای برابری و نفع متقابل یکی از مهمترین عناصر توسعه روابط دوستانه میان کشورها به شمار می‌رود،
با این اعتقاد که ایجاد مقررات متحدالشکلی که بر قراردادهای بیع بین‌المللی اعمال خواهد شد و با ملاحظه اینکه نظام‌های مختلف حقوقی، اقتصادی، سیاسی به حذف موانع حقوقی تجارت بین‌الملل و ارتقای توسعه تجارت بین‌الملل کمک خواهد نمود،
به نحو ذیل به توافق رسیده‌اند:

بخش اول: قلمرو اعمال و مقررات کلی

فصل اول: قلمرو اعمال

ماده ۱

(۱) این کنوانسیون بر قراردادهای بیع کالا میان طرفین که محل تجارت آنان در کشورهای مختلف قرار دارد، اعمال می‌شود:

(الف) در صورتی که کشورهای مزبور جزو کشورهای متعاهد باشند؛ یا

(ب) در صورتی که قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، منجر به اعمال حقوق یکی از کشورهای متعاهد گردد.

(۲) این واقعیت که محل تجارت طرفین در کشورهای مختلف قرار دارد، مادامی که واقعیت مزبور از قرارداد یا از معاملات آنان یا اطلاعات ارائه شده توسط آنها در زمان انعقاد قرارداد یا هر زمانی پیش از آن معلوم نباشد، نباید مورد توجه قرار گیرد.

(۳) تابعیت طرفین قرارداد و نیز خصوصیت مدنی یا تجاری طرفین یا قرارداد، در تعیین قلمرو این کنوانسیون مد نظر قرار نخواهد گرفت.

ماده ۲

کنوانسیون حاضر بر بیع‌های زیر اعمال نمی‌گردد:

(الف) کالاهایی که برای مصرف شخصی، خانوادگی یا خانگی خریداری می‌شوند، مگر اینکه فروشنده هنگام انعقاد قرارداد یا هر زمانی قبل از آن از اینکه کالا برای چنین مصرفی خریداری می‌شود، آگاه نبوده یا نمی‌توانسته نسبت به آن آگاه باشد؛

(ب) از طریق حراج؛

(ج) ناشی از اجرای احکام^۶ یا بیع‌هایی که به نحو دیگری با مجوز قانون^۷ منعقد می‌گردند؛

(د) سهام، سهم‌الشرکه، اوراق بهادار، اسناد قابل انتقال یا پول؛

(ه) کشتی‌ها، سفاین^۸، هاورکرافت یا هواناو؛

۶- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی به جای عبارت «اجرای احکام»، از عبارت «اجرای قانون» استفاده شده است. ملاحظه متون عربی، فرانسوی، آلمانی و ترکی استانبولی نشان می‌دهد که معادل صحیح عبارت «On Execution»، اجرای احکام می‌باشد.

۷- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی از عبارت «به حکم قانون» استفاده شده است، به نظر می‌رسد که بیع صرفاً با حکم قانون منعقد نمی‌شود، بلکه قانون اجازه می‌دهد که مقامات اداری و قضایی در مواردی نسبت به فروش اقدام نمایند، مانند بیع اموال متروکه در گمرک یا فروش اموال ناشی از مصادره، بنابراین واژه «با مجوز قانون» با تعبیر کنوانسیون «By Authority of Law» هماهنگی کامل دارد، در حالی که عبارت «به حکم قانون» معادل «By Operation of Law» می‌باشد و تفاوت این دو مفهوم در آن است که تحقق اثر یک عمل حقوقی به حکم قانون نیازمند دخالت مقام دولتی یا قضایی نبوده، درحالی که در اقداماتی که با مجوز قانون صورت می‌گیرد، دخالت مقام مربوطه و انجام عقد بیع از ناحیه او شرط تحقق اثر آن می‌باشد.

۸- واژه‌های «Ships» و «Vessels» در ترجمه دفتر خدمات حقوقی به ترتیب به «کشتی‌ها» و «سفاین» ترجمه شده است. بین دو واژه انگلیسی تفاوت وجود دارد، اما ترجمه دفتر خدمات حقوقی چنین تفاوتی را منعکس نمی‌کند، زیرا واژه سفینه کلمه عربی برای واژه کشتی بوده و در نتیجه با آن مترادف است. در تفاوت میان واژه «Ship» با «Vessel» که در زبان ترکی به ترتیب به «Gemi» و «Tekne» ترجمه شده، اظهار شده است که طول «Ship» از ۱۵ متر بزرگ‌تر بوده درحالی که «Vessel» از ۱۵ متر کوچکتر است.

(و) نیروی برق.

ماده ۳

(۱) قراردادهای ناظر بر تأمین کالایی که باید ساخته یا تولید شود، باید بیع تلقی گردد؛ مگر اینکه سفارش دهنده کالا تأمین قسمت اساسی^۹ مواد لازم برای ساخت یا تولید کالا را به عهده گیرد.

(۲) کنوانسیون حاضر بر قراردادهایی که در آن قسمت عمده^{۱۰} تعهدات طرفی که کالا را تهیه می کند، شامل تأمین نیروی کار یا سایر خدمات است، اعمال نمی گردد.

ماده ۴

کنوانسیون حاضر صرفاً بر انعقاد قرارداد بیع و حقوق و تعهداتی که برای فروشنده و خریدار از چنین قراردادی ناشی می شود، اعمال خواهد شد. به ویژه، جز در مواردی که صریحاً به نحو دیگری در این کنوانسیون مقرر شده باشد، کنوانسیون ارتباطی با موارد ذیل ندارد:

(الف) اعتبار قرارداد یا هر یک از شرایط آن یا هر گونه عرف؛

(ب) اثری که ممکن است قرارداد بر مالکیت کالای فروخته شده داشته باشد.

البته در تفاسیر ارائه شده از ماده ۲ کنوانسیون، برخی از حقوقدانان اظهار عقیده نموده اند که اندازه «Ship» یا «Vessel» معیار خروج بیع چنین کالاهایی از قلمرو کنوانسیون نبوده بلکه باید به کار کرد آنها توجه نمود. به نظر می رسد که در زبان فارسی معادلی برای انعکاس تفاوت میان واژه «Ships» با «Vessels» وجود نداشته و ما نیز به تبعیت از ترجمه دفتر خدمات از واژه کشتی و سفاین استفاده می کنیم. اما در هر حال باید تفاوت مذکور را مد نظر قرار داد. برای مطالعه بیشتر رک به:

http://www.celebidenizcilik.com/tekneler_hakkinda.htm, F Ferrari, *The CISG's sphere of application: Articles 1-3 and 10*, in F Ferrari, H Flechtner, Ronald A. Brand (eds), *The Draft UNCITRAL Digest and Beyond: Cases, Analysis and Unresolved Issues in the U.N. Sales Convention*, (Sellier 2004), p.93.

۹- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی برای عبارت «Substantial Part» از عبارت «قسمت عمده» استفاده شده است. اما با توجه به اینکه بسیاری از شارحین کنوانسیون اظهار نموده اند که معیار مزبور هر دو ضابطه کمی و کیفی را در برمی گیرد، به نظر می رسد که استفاده از عبارت «قسمت اساسی» به جای «قسمت عمده» که مفید معنای کمی نیز است، مناسب تر باشد.

۱۰- بنابر تفاسیر ارائه شده توسط شارحین کنوانسیون عبارت «Preponderant Part» منحصر در ضابطه کمی است. از این رو استفاده از عبارت «قسمت عمده» که مفید معنای کمی است، مناسب تشخیص داده می شود.

ماده ۵

کنوانسیون حاضر نسبت به مسئولیت فروشنده برای مرگ یا خسارت شخصی^{۱۱} ناشی از کالا به هر شخصی که وارد شود، اعمال نخواهد شد.

ماده ۶

طرفین می‌توانند اعمال این کنوانسیون را مستثنی نموده، یا با رعایت ماده ۱۲، از آثار هر یک مقررات این کنوانسیون عدول کرده یا آنها را تغییر دهند.

فصل دوم: مقررات کلی

ماده ۷

(۱) در تفسیر این کنوانسیون باید به ویژگی بین‌المللی کنوانسیون و ضرورت ارتقای هماهنگی در اعمال آن و رعایت حسن نیت در تجارت بین‌الملل توجه کافی مبذول داشت.

(۲) مسائل مربوط به موضوعات تحت شمول کنوانسیون که صریحاً در آن حل و فصل نشده است، باید مطابق با اصولی کلی که کنوانسیون بر مبنای آنها استوار شده است، یا در فقدان اصول کلی مطابق با حقوق^{۱۲} قابل اعمال به موجب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، حل و فصل گردد.

۱۱- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی عبارت «Personal Damages» به «خسارت بدنی» ترجمه شده است. نتیجه چنین برداشتی این است که خسارت معنوی ناشی از کالا به خریدار و اشخاص ثالث در قلمرو کنوانسیون قرار می‌گیرد. در حالی که اکثر حقوقدانان برای خارج از شمول دانستن خسارت معنوی از قلمرو کنوانسیون به ماده ۵ کنوانسیون استناد می‌کنند. بنابراین ترجمه عبارت «Personal Damages» به «خسارت شخصی» که برخی از آن به عنوان چتری تعبیر کرده‌اند که نه تنها خسارت بدنی، بلکه سایر خسارت را نیز شامل می‌شود، صحیح‌تر است. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Bénédicte Fauvarque-Cosson and Denis Mazeaud (eds), *European Contract Law: Materials for a Common Frame of Reference: Terminology, Guiding Principles, Model Rules*, (sellier 2008), p.262; Ingeborg Schwenzer and Pascal Hachem, *The Scope of the CISG Provisions on Damages*, in Djakhongir Saidov and Ralph Cunnington(eds), *Contract Damages Domestic and International Perspectives*, (Hart 2008), p. 100; Djakhongir Saidov, *The Law of Damages in International Sales The CISG and other International Instruments*, (Hart 2008), p.62; <http://www.vancouverwainjurylawyer.com/blog/injury-blog/definition-bodily-injury/>

ماده ۸

(۱) در راستای اهداف این کنوانسیون، اظهارات و رفتار هر یک از طرفین باید مطابق قصد او تفسیر گردد، در صورتی که طرف مقابل از قصد مزبور آگاه بوده یا نمی‌توانسته نسبت به آن ناآگاه باشد.

(۲) در صورت غیرقابل اعمال بودن بند پیشین، اظهارات و رفتار هر یک از طرفین باید مطابق با فهم^{۱۳} شخص معقول^{۱۴} هم‌صنف طرف مقابل در اوضاع و احوال مشابه تفسیر گردد.

۱۲- مترادف واژه «Law» حقوق می‌باشد و ترجمه آن به عبارت قانون در متن فارسی ارائه شده از سوی دفتر خدمات حقوقی صحیح به نظر نمی‌رسد و قلمرو حقوق قابل اعمال را که می‌تواند اعم از قانون باشد، محدود می‌سازد. به عنوان مثال قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی برخی از کشورها در ارجاع به حقوق قابل اعمال ارجاع قضیه به اسناد بین‌المللی مانند PICC را نیز پیش‌بینی نموده‌اند. توجه به ترجمه فرانسوی و ترکی کنوانسیون نیز این نظریه را تأیید می‌کند. اگرچه در متن عربی کنوانسیون از واژه «القانون» در این خصوص استفاده شده است، اما باید توجه داشت که در ادبیات حقوق عرب، واژه «قانون» در بسیاری از موارد در معنای اعم خود استفاده می‌شود که یکی از معانی آن اصطلاح «حقوق» می‌باشد.

۱۳- واژه های پندار، درک و برداشت نیز می‌تواند معادل «Understanding» در نظر گرفته شود، اما به تبعیت از متن عربی کنوانسیون از واژه فهم استفاده شده است.

۱۴- واژه «Reasonableness» در بسیاری از مواد کنوانسیون مورد استفاده قرار گرفته است، اما کنوانسیون راجع به مفهوم آن ساکت است. در بسیاری از اسناد مهم بین‌المللی مانند اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی (UPICC)، اصول حقوق قراردادهای اروپا (PECL) و طرح پیش‌نویس مشترک مرجع (DCFR) واژه مزبور به کثرت مورد استفاده قرار گرفته است. برخی از اسناد مزبور مانند (DCFR) و (PECL) واژه مزبور را تعریف نموده‌اند. به عنوان مثال ماده ۱۰۴ از کتاب اول طرح پیش‌نویس مشترک مرجع در تعریف واژه مزبور مقرر داشته است که «Reasonableness» باید با توجه به ماهیت و هدف آنچه که انجام می‌گیرد، اوضاع و احوال حاکم بر قضیه و هرگونه عرف و عادت مرتبط به طور نوعی احراز گردد. در ترجمه واژه مزبور دفتر خدمات حقوقی از معادل «متعارف» استفاده نموده است. در قانون مدنی ایران نیز گاهی از معیار انسان معقول و گاهی از معیار انسان متعارف استفاده شده است. اما برخی از نویسندگان بیان نموده‌اند در مواردی نیز که قانونگذار انسان متعارف را به کار برده منظور او سیره عقلاء بوده است، زیرا عرف خود به دو نوع معقول و غیر معقول قابل تقسیم است و اگر عرف را در معنای عام آن بگیریم ممکن است بسیاری از اعمالی که به صورت عرف درآمده اما غیر معقول است تقصیر شمرده نشود. بنابراین به نظر می‌رسد که در حقوق ایران در هر کجا هم که انسان متعارف به کار گرفته شده است منظور انسان معقول بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد که استفاده از واژه «معقول» در ترجمه «Reasonableness» صحیح باشد. این امر با توضیحاتی نیز که شارحین کنوانسیون داده‌اند، تأیید می‌شود. زیرا در این خصوص اظهار عقیده شده است که کنوانسیون با افزودن قیودی مانند «Person of the Same Kind» و «in the Same Circumstances» ضابطه مزبور را تا حد امکان فردی نموده است «Individualized». برای مطالعه بیشتر رک به:

E. Allan Farnsworth, in *Bianca-Bonell Commentary on the International Sales Law*, Giuffrè: Milan (1987), p.99; Jelena Vilus, *Common Law Institutions in the UN Sales Convention in:*

(۳) در تعیین قصد هریک از طرفین یا فهم شخص معقول باید به تمام اوضاع و احوال مرتبط قضیه، از جمله مذاکرات، هرگونه رویه‌های معمول^{۱۵} به میان طرفین، عرف^{۱۵}ها و هرگونه رفتار بعدی طرفین توجه کافی مبذول داشت.

ماده ۹

- (۱) طرفین به هرگونه عرفی که نسبت به آن توافق نموده‌اند و به رویه‌ای که میان خود ایجاد کرده‌اند ملزم هستند.^{۱۶}
- (۲) جز در صورتی که به نحو دیگری توافق شده باشد، چنین فرض می‌شود که طرفین عرفی را که نسبت به آن آگاه بوده‌اند یا می‌بایست نسبت به آن آگاه باشند و در تجارت بین‌الملل برای طرفین قراردادهای از همان نوع و در تجارت خاص مربوطه کاملاً شناخته شده است و توسط آنان به طور منظم رعایت می‌گردد، به طور ضمنی بر قرارداد خود یا انعقاد آن قابل اعمال دانسته‌اند.^{۱۷}

ماده ۱۰

در راستای اهداف این کنوانسیون:

(الف) چنانچه یکی از طرفین بیش از یک محل تجارت داشته باشد، محل تجارت محلی است که با در نظر گرفتن اوضاع و احوال معلوم یا مورد نظر طرفین هنگام انعقاد قرارداد یا قبل از آن، نزدیکترین ارتباط را با قرارداد و اجرای آن دارد.

Studios en Homenaje a Jorge Barrera Graf, vol. II (Mexico: Universidad Nac. Aut. de Mexico, 1989), pp. 1437, 1440-1441;

حسن بادینی، نگرشی انتقادی به معیار «انسان معقول و متعارف» برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۷۹.

۱۵- ذکر عبارت عادت در ترجمه ماده ۸ زاید است، زیرا واژه «Usage» به «عرف و عادت» معنی شده، در حالی که فقط به معنی «عرف» است. در این ماده برای بیان «عادت»، از عبارت «Practice» استفاده شده است.

۱۶- قسمت اول این بند بیانگر موضوع «عرف» و قسمت دوم ماده بیانگر «رویه معمول» میان طرفین «عادت» است. در ترجمه دفتر خدمات به جای «عرف» از واژه «عرف و عادت» استفاده شده است و مجدداً در قسمت دوم ماده به «به رویه معمول» به میان طرفین اشاره شده است و در حقیقت مفهوم عادت دو بار تکرار شده است.

۱۷- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در بند ۲ ماده ۹ از عبارت «عادت» استفاده شده است، در حالی که این بند هیچ ارتباطی به «عادت» ندارد و نسخ اصلی کنوانسیون نیز این واژه ملاحظه نمی‌شود.

(ب) چنانچه هر یک از طرفین محل تجارت نداشته باشد باید محل سکونت معمولی^{۱۸} وی ملاک توجه قرار داد.

ماده ۱۱

ضرورتی ندارد که قرارداد بیع به صورت کتبی منعقد یا اثبات^{۱۹} شود و از لحاظ شکلی منوط به هیچ شرط دیگری نیست. قرارداد بیع می تواند به هر طریقی از جمله شهادت اثبات گردد.

ماده ۱۲

هرگاه محل تجارت هر یک از طرفین در کشور متعاهدی که اعلامیه موضوع ماده ۹۶ کنوانسیون حاضر را صادر نموده است، واقع شده باشد، هیچ یک از مقررات مواد ۱۱ و ۲۹ یا بخش دوم کنوانسیون حاضر که انعقاد قرارداد بیع یا تعدیل یا اقاله آن یا ایجاب، قبول یا سایر موارد اعلام اراده را به صورت غیر کتبی اجازه می دهد، اعمال نخواهد شد. طرفین نمی توانند از این ماده عدول نموده یا اثر آن را تغییر دهند.

ماده ۱۳

در راستای اهداف این کنوانسیون، اصطلاح «کتبی» شامل تلگرام و تلکس می گردد.

بخش دوم: انعقاد قرارداد

ماده ۱۴

(۱) پیشنهاد انعقاد قرارداد که به یک یا چند شخص^{۲۰} معین ارائه می گردد، در صورتی ایجاب محسوب می شود که به اندازه کافی مشخص بوده و دال بر قصد التزام موجب در صورت قبول باشد. پیشنهاد هنگامی به اندازه کافی

۱۸- برخی از نویسندگان بیان داشته اند که واژه «اقامتگاه» در ترجمه عبارت «Habitual Residence» صحیح نبوده و با مفاد ماده ۱۰۰۲ ق.م. ما تطابقی ندارد و اصطلاح محل سکونت را ترجیح داده اند که این واژه پیشنهادی مناسب به نظر می رسد. (رک: سید

حسین صفایی و همکاران، حقوق بیع بین المللی، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۱)

۱۹- فراز آخر این ماده مبنی بر امکان اثبات قرارداد از طریق شهادت شهود نشان می دهد که بخش اول ماده نیز اشاره به موضوع اثبات قرارداد دارد نه مستند سازی آن و به نظر می رسد که ترجمه «Evidenced» به «مستندسازی» توسط دفتر خدمات حقوقی بین المللی صحیح نیست.

مشخص است که کالا را مشخص نموده و به طور صریح یا ضمنی مقدار و ثمن را تعیین نموده یا ضابطه‌ای برای تعیین آن مقرر نماید.

(۲) پیشنهادی که به غیر از یک یا چند شخص معین ارائه می‌گردد، بایستی صرفاً دعوت به ایجاب تلقی شود، مگر اینکه خلاف آن وضوحاً توسط شخصی که پیشنهاد را ارائه می‌کند، اعلام شود.

ماده ۱۵

(۱) ایجاب هنگامی که به مخاطب ایجاب واصل می‌گردد، نافذ می‌شود.

(۲) ایجاب حتی در صورتی که غیر قابل رجوع باشد، قابل انصراف است؛ مشروط بر اینکه انصراف قبل یا همزمان با ایجاب به مخاطب واصل شود.

ماده ۱۶

(۱) مادامی که قرارداد منعقد شود، می‌توان از ایجاب رجوع نمود، مشروط بر اینکه رجوع قبل از اینکه مخاطب قبولی خود را ارسال نماید، به وی واصل گردد.

(۲) با این وجود، ایجاب قابل رجوع نیست:

(الف) اگر ایجاب دلالت بر این داشته باشد که، خواه با تعیین موعد معین برای قبول یا به نحو دیگر، غیر قابل رجوع است؛ یا

(ب) اگر برای مخاطب اتکای به ایجاب به عنوان یک ایجاب غیر قابل رجوع معقول بوده و مخاطب به اتکای آن نیز عمل نموده باشد.

ماده ۱۷

ایجاب، حتی در صورت غیر قابل رجوع بودن، از هنگامی که رد آن به ایجاب‌کننده واصل می‌گردد، منتفی می‌شود.

۲۰- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در ترجمه واژه «Person» از «نفر» استفاده شده است که صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا واژه مزبور فقط شامل اشخاص حقیقی بوده و اشخاص حقوقی را در بر نمی‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که واژه «شخص» معادل دقیق واژه «Person» است.

ماده ۱۸

(۱) اظهار یا هر رفتار دیگر مخاطب ایجاب که دلالت بر رضایت به ایجاب کند، قبول محسوب می‌شود. سکوت یا عدم اقدام فی‌المنفسه قبول محسوب نمی‌شود.

(۲) قبول ایجاب از لحظه‌ای که اعلام رضا به ایجاب کننده واصل می‌شود، نافذ می‌گردد. قبول در صورتی که اعلام رضا ظرف مدت تعیین شده، یا در صورت عدم تعیین مدت، ظرف مدت معقول با مد نظر قرار دادن اوضاع و احوال معامله از جمله سرعت وسایل ارتباطی مورد استفاده ایجاب کننده به او واصل نگردد، نافذ نیست. ایجاب شفاهی باید بلافاصله مورد قبول واقع شود، مگر اینکه اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت نماید.

(۳) با این وجود، چنانچه به واسطه ایجاب یا در نتیجه رویه معمول به طرفین یا عرف، مخاطب ایجاب بتواند با انجام عملی مانند آنچه که به ارسال کالا یا پرداخت ثمن مربوط می‌شود، بدون اخطار به ایجاب کننده، رضایت خود را اعلام نماید، قبول از لحظه‌ای که عمل انجام می‌یابد، نافذ است مشروط بر اینکه عمل مزبور ظرف مهلت مقرر در بند پیشین انجام یابد.

ماده ۱۹

(۱) پاسخ به ایجابی که در ظاهر قبول ایجاب بوده اما متضمن اضافات، تحدیدات، یا سایر تعدیلات است، رد ایجاب بوده و ایجاب متقابل محسوب می‌شود.

(۲) با این وجود، پاسخ به ایجابی که در ظاهر قبول ایجاب بوده اما متضمن شروط اضافی یا متفاوتی است که شروط ایجاب را اساساً تغییر نمی‌دهد، قبول به محسوب می‌شود، مگر اینکه ایجاب کننده، بدون تأخیر غیر موجه، شفاهاً نسبت به تفاوت مزبور اعتراض نموده یا اخطاری را بدین منظور ارسال دارد. اگر وی چنین اعتراضی نکند، شروط قرارداد عبارت از شروط ایجاب همراه با تعدیلات مندرج در قبول خواهد بود.

(۳) شروط اضافی یا متفاوت راجع به ثمن، پرداخت، کیفیت و کمیت کالا، مکان و زمان تسلیم، حدود مسئولیت یکی از طرفین در مقابل طرف دیگر یا حل و فصل اختلافات از جمله^{۲۱} مواردی محسوب می‌شوند که شروط ایجاب را به نحو اساسی تغییر می‌دهند.

ماده ۲۰

(۱) مهلت تعیین شده برای قبول توسط ایجاب کننده در تلگرام یا نامه از لحظه‌ای که تلگرام برای مخابره تسلیم می‌گردد یا از تاریخی که در نامه قید شده، یا در صورت عدم قید تاریخ، از تاریخی که در پاکت قید شده است، آغاز می‌گردد. مهلت تعیین شده برای قبول توسط ایجاب کننده از طریق تلفن، تلکس، یا دیگر وسایل ارتباطی فوری، از لحظه‌ای که ایجاب به مخاطب واصل می‌گردد، آغاز می‌شود.

(۲) تعطیلات رسمی یا روزهای غیرکاری^{۲۲} که طی مهلت قبول واقع می‌شود، داخل در مهلت محسوب می‌گردد. با این وجود، اگر اخطار قبول نتواند در آخرین روز مهلت به علت مصادف شدن آن با تعطیل رسمی یا روز غیرکاری در محل تجارت ایجاب کننده، به آدرس وی تسلیم شود، مهلت قبول تا اولین روزی کاری پس از آن تمدید می‌یابد.

ماده ۲۱

(۱) در هر حال قبول همراه با تأخیر به عنوان قبول نافذ است، مشروط بر اینکه ایجاب کننده بدون تأخیر شفاهاً یا با ارسال اخطاری مخاطب ایجاب را از اثر مزبور مطلع نماید.

۲۱- در متن فارسی کنوانسیون مندرج در شماره ۹ مجله حقوقی بین‌المللی دفتر خدمات حقوقی، بند ۳ ماده ۱۹ ناقص ترجمه شده است. ترجمه دقیق عبارت «Among Other Things»، «از جمله شروط» می‌باشد، در حالی که در ترجمه مزبور فقط عبارت «شروط» قید شده است که می‌تواند وضوحاً این شبهه را ایجاد کند که مصادیق مذکور در حکم یاد شده، حصری است، در حالی که در تفسیر ماده ۱۹ کنوانسیون حصری بودن مصادیق مورد اشاره در بند ۳ ماده ۱۹ تأیید نشده است.

۲۲- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی عبارت «Non-Business Days» به «روزهای غیراداری» ترجمه شده است که به نظر می‌رسد روزهای غیرکاری واژه مناسب‌تری است و نگاهی به ترجمه عربی، فرانسوی و ترکی کنوانسیون این موضوع را تأیید می‌کند. مضافاً بر آنکه عبارت «روزهای غیراداری» معمولاً در محدوده حقوق اداری و سازمان‌های دولتی موضوعیت می‌یابد و تعبیر مناسبی برای بانک‌ها و شرکت‌های خصوصی که ایام تعطیل آنها روزهای غیرکاری نامیده می‌شود، نیست.

(۲) اگر نامه یا نوشته دیگری که حاوی قبول همراه با تأخیر است، نشان دهد که آن در چنان اوضاع و احوالی ارسال شده است که اگر انتقال آن به نحو عادی صورت می‌گرفت، در موعد مقرر به ایجاب‌کننده واصل می‌شد، قبول همراه با تأخیر به عنوان قبول نافذ است، مگر اینکه ایجاب‌کننده بدون تأخیر شفاهاً مخاطب را مطلع نماید که ایجاب خود را منقضی شده در نظر می‌گیرد یا اخطاری را بدین منظور ارسال دارد.

ماده ۲۲

قبول می‌تواند مورد انصراف قرار گیرد، مشروط بر اینکه انصراف قبل یا همزمان با نفوذ قبول، به ایجاب‌کننده واصل شود.

ماده ۲۳

قرارداد هنگامی منعقد می‌شود که قبول ایجاب مطابق با مقررات کنوانسیون حاضر نافذ می‌گردد.

ماده ۲۴

در راستای اهداف این بخش از کنوانسیون، ایجاب، اعلام قبول یا سایر طرق اعلام اراده هنگامی به مخاطب واصل می‌گردد که شفاهاً به اطلاع او می‌رسد یا به هر وسیله دیگر به شخص او، محل تجارت یا آدرس پستی او یا در صورت عدم وجود محل تجارت یا آدرس پستی، به محل سکونت او تحویل گردد.

بخش سوم: بیع کالا

فصل اول: مقررات کلی

ماده ۲۵

نقض قرارداد توسط هر یک از طرفین^{۳۳} در صورتی اساسی است که منجر به ورود چنان خسارتی^{۳۴} به طرف دیگر

۲۳- در یکی از ترجمه‌های فارسی (مهراب داراپ پور، ترجمه تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ج ۲، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۱۳) واژه «Parties» به «اصحاب دعوی» ترجمه شده است، درحالی که منظور طرفین قرارداد است و ماده ۲۵ ارتباطی به دعوی ندارد.

۲۴- پیش‌بینی واژه «Detriment» یا «خسارت» در ماده ۲۵ کنوانسیون، تفاسیر متعدد از سوی شارحین کنوانسیون را به دنبال داشته است، به گونه‌ای که بسیاری از حقوقدانان بر این اعتقاد هستند که واژه خسارت در ماده مزبور خسارت به معنای واقعی نیست، زیرا در برخی از موارد علیرغم اینکه نقض قرارداد موجب ورود خسارت به کالا نمی‌گردد، اما خریدار را به نحو اساسی از آنچه که

نقض قرارداد توسط هر یک از طرفین^{۲۵} در صورتی اساسی است که منجر به ورود چنان خسارتی^{۲۶} به طرف دیگر گردد که او را به طور اساسی^{۲۷} از آنچه که استحقاق انتظار آن را طبق قرارداد داشته است، محروم سازد، مگر اینکه

استحقاق انتظار آن را طبق قرارداد داشته است محروم می‌سازد. به همین دلیل اظهار عقیده شده است که ضابطه اصلی در ماده ۲۵ برای اساسی تلقی شدن نقض، محرومیت اساسی زیان‌دیده از آنچه که استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته، می‌باشد. اما در هر حال انتخاب واژه «خسارت» برای واژه «Detriment» کاملاً منطبق با متن ماده ۲۵ است، علیرغم اینکه در تفسیر واژه مزبور بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

R Koch, "Fundamental Breach": Commentary on Whether The UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts May Be Used to Interpret or Supplement Article 25 CISG, in J Felemegas, *An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods(1980) as Uniform Sale Law*, p. 126; L Graffi, *Case Law on the Concept of "Fundamental Breach" in the Vienna Sales Convention*, (International Business Law Journal 2003), p.339, also available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/graffi.html>; P Huber, in S Vogenauer G Kleinheisterkamp, *Commentary on the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (PICC)*, p.822; M Will, in Bianca-Bonell *Commentary on the International Sales Law*, (Giuffrè: Milan 1987), p.211.

۲۵- در یکی از ترجمه‌های فارسی (مهراب داراپ پور، ترجمه تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ج ۲، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۱۳) واژه «Parties» به «اصحاب دعوی» ترجمه شده است، درحالی که منظور طرفین قرارداد است و ماده ۲۵ ارتباطی به دعوی ندارد.

۲۶- پیش‌بینی واژه «Detriment» یا «خسارت» در ماده ۲۵ کنوانسیون، تفاسیر متعدد از سوی شارحین کنوانسیون را به دنبال داشته است، به گونه‌ای که بسیاری از حقوقدانان بر این اعتقاد هستند که واژه خسارت در ماده مزبور خسارت به معنای واقعی نیست، زیرا در برخی از موارد علیرغم اینکه نقض قرارداد موجب ورود خسارت به کالا نمی‌گردد، اما خریدار را به نحو اساسی از آنچه که استحقاق انتظار آن را طبق قرارداد داشته است محروم می‌سازد. به همین دلیل اظهار عقیده شده است که ضابطه اصلی در ماده ۲۵ برای اساسی تلقی شدن نقض، محرومیت اساسی زیان‌دیده از آنچه که استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته، می‌باشد. اما در هر حال انتخاب واژه «خسارت» برای واژه «Detriment» کاملاً منطبق با متن ماده ۲۵ است، علیرغم اینکه در تفسیر واژه مزبور بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

R Koch, "Fundamental Breach": Commentary on Whether The UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts May Be Used to Interpret or Supplement Article 25 CISG, in J Felemegas, *An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods(1980) as Uniform Sale Law*, p. 126; L Graffi, *Case Law on the Concept of "Fundamental Breach" in the Vienna Sales Convention*, (International Business Law Journal 2003), p.339, also available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/graffi.html>; P Huber, in S Vogenauer G Kleinheisterkamp, *Commentary on the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (PICC)*, p.822; M Will, in Bianca-Bonell *Commentary on the International Sales Law*, (Giuffrè: Milan 1987), p.211.

نقض کننده چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی ننموده و شخص معقول هم صنف او نیز در همان اوضاع و احوال نمی‌توانسته آن را پیش‌بینی نماید.

ماده ۲۶

اعلام فسخ^{۲۸} قرارداد تنها در صورتی معتبر است که از طریق ارسال اخطاری^{۲۹} به طرف مقابل انجام شود.

۲۷- استفاده از واژه «به طور اساسی» به جای «عمده» در ترجمه واژه انگلیسی «Substantially» مناسب‌تر است، زیرا در تفسیر واژه مزبور در خصوص اینکه آیا معیار مزبور هر دو ضابطه کمی و کیفی را در بر می‌گیرد یا ناظر بر یکی از آنهاست، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به اینکه کنوانسیون نیز منظور خود را از معیار مزبور مشخص نساخته است، برای رعایت احتیاط واژه «Substantially» به عبارت «به نحو اساسی» ترجمه شده است. این در حالی است که برخی از نویسندگان حقوقی از واژه «عمده» برای این منظور استفاده نموده‌اند (مهراب داراپ پور، پیشین، ص ۱۳) برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به:

R Koch, *op. cit.*, p.126; Jacob S. Ziegel, *The Remedial Provisions in the Vienna Sales Convention: Some Common Law Perspectives*, in Galston & Smit ed., *International Sales: The United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, (Matthew Bender 1984), p.9.

۲۸- واژه «Avoidance» در ترجمه دفتر خدمات به اشتباه معادل «بطلان» در نظر گرفته شده است، لیکن معادل صحیح آن تا حدودی که بتواند با ادبیات حقوقی ایران سازگار باشد، واژه «فسخ» است. باید توجه داشت که اعلام بطلان قرارداد ناظر به وضعیتی است که قرارداد طرفین باطل است و یکی از طرفین بطلان آن را شخصاً یا از طریق مراجعه به دادگاه اعلام می‌کند. در متن فرانسوی کنوانسیون نیز از اصطلاح «résolution» استفاده شده است که به معنای فسخ قرارداد است. در متن عربی کنوانسیون نیز فسخ العقد به کار رفته است.

۲۹- علاوه بر اینکه کنوانسیون ۲۴ بار از واژه «Notice» در مواد (۱۸(۳)، ۱۹(۲)، ۲۰(۲)، ۲۱(۱)، ۲۶، ۲۷، ۳۲(۲)، ۳۹(۱)، ۴۳، ۴۴، ۴۶(۲)، ۴۷(۲)، ۴۸(۳)، ۴۸(۴)، ۶۳، ۶۷(۲)، ۷۱(۳)، ۷۲(۲)، ۷۹(۴)، ۸۸(۱)(۲) استفاده نموده است اما در هیچکدام از مواد مذکور منظور خود را از آن روشن نساخته است. اما موضوع در نوشته‌های حقوقی و رویه قضایی به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته و بیان شده است که منظور از واژه مذکور منحصر در شکل مکتوب نبوده و می‌تواند به طور شفاهی نیز انجام پذیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که واژه اخطار در زبان فارسی معادل مناسبی برای واژه «Notice» باشد، زیرا یکی از معانی اخطار اعلام کردن است که می‌تواند به هر دو طریق کتبی و شفاهی انجام یابد. جالب توجه است که در ترجمه ترکی کنوانسیون نیز از واژه «Bildirimle» استفاده شده است که حالت اسمی فعل به آگاهی رساندن است. این در حالی است که در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی از واژه «یادداشت» استفاده شده است که متبادر از آن شکل کتبی است. برای توضیحات بیشتر مراجعه کنید به:

Christopher M. Jacobs, *Notice of Avoidance under the CISG: A Practical Examination of Substance and Form Considerations, the Validity of Implicit Notice, and the Question of Revocability*, (University of Pittsburgh Law Review Winter 2003), p.410; Samuel K. Date-Bah, *in Bianca-Bonell Commentary on the International Sales Law*, (Giuffrè: Milan 1987), p.214; John O. Honnold, *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, (Kluwer Law International, 3rd ed. 1999), p.215.

ماده ۲۷

جز در صورتی که صریحاً به نحو دیگری در این بخش از کنوانسیون مقرر شده باشد، اگر هرگونه اخطار، درخواست یا اعلام^{۳۰} دیگری توسط هریک از طرفین مطابق این بخش و با وسایل مناسب با اوضاع و احوال ارسال گردد یا انجام پذیرد، تأخیر یا اشتباه در انتقال اطلاعات یا عدم وصول آن، ارسال کننده را از استناد به اطلاع‌رسانی محروم نمی‌سازد.

ماده ۲۸

مطابق با مقررات کنوانسیون حاضر، چنانچه یک طرف استحقاق مطالبه اجرای هرگونه تعهدی را از طرف مقابل داشته باشد، دادگاه ملزم به صدور حکم به اجرای عین تعهد نیست، مگر اینکه به موجب حقوق متبوع خود نسبت به قراردادهای بیع مشابهی که تحت شمول این کنوانسیون نیست، حکم به اجرای عین تعهد دهد.

ماده ۲۹

- (۱) قرارداد می‌تواند به صرف توافق طرفین تعدیل یا اقاله شود.
- (۲) یک قرارداد کتبی که حاوی شرطی است که هرگونه تعدیل یا اقاله قرارداد را به شکل کتبی مقرر داشته است، نمی‌تواند به نحو دیگری تعدیل یا اقاله گردد. با این وجود، طرف قرارداد ممکن است به وسیله رفتار خود از استناد به چنین شرطی تا حدی که طرف دیگر به آن رفتار اتکا نموده باشد، منع گردد.

۳۰- برای واژه «Communication» در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی از واژه «مراسلات» و در ترجمه دیگری (داراپ‌پور، پیشین، ص ۴۰) از واژه «مکتوبات» استفاده شده است که هر دو معادل فارسی مذکور صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا مراسلات منحصر در ارسال نامه بوده و مکتوبات نیز شامل تبادل اطلاعات کتبی است و شامل اطلاعات شفاهی ارائه شده نیست. دیکشنری بلاک واژه «Communication» را به عنوان تبادل اطلاعات به هر وسیله‌ای معنی نموده است. در ترجمه ترکی کنوانسیون نیز از واژه «Açıklamanın» استفاده شده است که به معنای «آنچه که روشن ساخته شده است» می‌باشد و این امر می‌تواند به هر وسیله‌ای انجام گیرد که شکل مکتوب فقط یکی از انواع آن است. در شرح این ماده نیز حقوقدانان تصریح نموده‌اند که ارائه اطلاعات به صورت شفاهی نیز در قلمرو این ماده قرار می‌گیرد.

فصل دوم: تعهدات فروشنده

ماده ۳۰

فروشنده مطابق قرارداد و کنوانسیون حاضر بایستی کالا را تسلیم نماید، هرگونه اسناد مربوط به آن را تحویل دهد و مالکیت کالا را منتقل نماید.

قسمت اول: تسلیم کالا و تحویل اسناد

ماده ۳۱

چنانچه فروشنده ملزم به تسلیم کالا در محل خاص دیگری نباشد، تعهد او به تسلیم عبارت است از:

- (الف) چنانچه قرارداد بیع متضمن حمل کالا است، با تسلیم کالا به اولین متصدی حمل و نقل برای ارسال به خریدار؛
- (ب) مواردی که مشمول بند پیشین نیست، چنانچه قرارداد مربوط به بیع کالای معین، یا کالای کلی که باید از انبار معین برداشته شود یا ساخته یا تولید گردد و طرفین در زمان انعقاد قرارداد از وجود کالا یا ساخت یا تولید کالا در آن محل معین اطلاع داشته‌اند، با قرار دادن کالا در اختیار خریدار در محل مزبور؛
- (ج) در سایر موارد، با قرار دادن کالا در اختیار خریدار در محلی که در زمان انعقاد قرارداد محل تجارت فروشنده بوده است.

ماده ۳۲

- (۱) چنانچه فروشنده، مطابق قرارداد یا کنوانسیون حاضر، کالا را تسلیم متصدی حمل و نقل نماید و اگر کالا به قرارداد وضوحاً به وسیله علامت‌گذاری بر روی کالا، اسناد حمل یا به نحو دیگری تخصیص^{۳۱} نیافته باشد، فروشنده باید اخطار حمل را که متضمن تعیین کالا است به خریدار ارسال نماید.

۳۱- در ترجمه «Identified» دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی از واژه «مشخص شود» استفاده نموده است. مشخص شدن کالا متفاوت از «تخصیص» آن در ماده ۳۲ کنوانسیون است. زیرا طبق ماده ۱۴ کنوانسیون یکی شرایط انعقاد قرارداد مشخص بودن ایجاب است که تحقق آن منوط به تعیین کالا، قیمت و مقدار آن است. درحالی که ماده ۳۲ کنوانسیون مربوط به مرحله ایفای تعهدات یعنی یک مرحله پس از انعقاد قرارداد است.

(۲) چنانچه فروشنده ملزم باشد تا ترتیب حمل کالا را بدهد، او باید قراردادهایی را که برای حمل کالا به محل تعیین شده، لازم است، با وسایل حمل و نقل مناسب اوضاع و احوال و مطابق شروط معمول^{۳۲} برای چنین حمل و نقلی منعقد نماید.

(۳) چنانچه فروشنده ملزم به بیمه نمودن کالای در حال حمل نباشد، او باید به درخواست خریدار تمام اطلاعات موجود و لازم را که او را به بیمه کالا قادر سازد، در اختیار وی قرار دهد.

ماده ۳۳

فروشنده باید کالا را تسلیم کند:

- (الف) چنانچه تاریخی در قرارداد مقرر شده باشد یا با رجوع به قرارداد قابل تعیین باشد؛ در همان تاریخ؛
- (ب) چنانچه مهلتی در قرارداد مقرر شده باشد یا با رجوع به قرارداد قابل تعیین باشد، در خلال مهلت مزبور، مگر اینکه اوضاع و احوال دال بر این باشد که انتخاب تاریخ با خریدار است؛ یا
- (ج) در سایر موارد، ظرف مهلت معقول پس از انعقاد قرارداد.

ماده ۳۴

چنانچه فروشنده ملزم به تسلیم اسناد مربوط به کالا باشد، او باید آنها را در زمان و مکان و به طریقی که در قرارداد مقرر شده است، تسلیم نماید. چنانچه فروشنده اسناد را قبل از تاریخ مقرر تسلیم نماید، او می تواند تا تاریخ مقرر هرگونه عدم انطباق در اسناد را رفع نماید، مشروط بر اینکه استفاده از چنین حقی موجب زحمت یا هزینه نامعقول برای خریدار نشود. با این وجود، هرگونه حق مطالبه خسارت به نحوی که در کنوانسیون حاضر مقرر شده است، برای خریدار محفوظ است.

۳۰- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین المللی و برخی دیگر از نوشته‌های فارسی در ترجمه واژه «Usual» از عبارت «متعارف» استفاده شده است. اما به نظر می‌رسد که استفاده از «معمول» صحیح‌تر باشد. در نسخه رسمی و عربی کنوانسیون نیز از واژه «عاده» استفاده شده است. همچنین در ترجمه ترکی واژه نیز از معادل «Mutat» استفاده شده است که متفاوت از واژه «متعارف» است.

قسمت دوم: انطباق کالا و ادعاهای شخص ثالث

ماده ۳۵

(۱) فروشنده باید کالایی را که مقدار، کیفیت^{۳۳} و وصف آن در قرارداد مقرر شده، تسلیم نماید و به نحوی که در قرارداد مقرر شده است آن را بسته‌بندی یا ظرف‌بندی نماید.

(۲) جز در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق نموده باشند، کالا منطبق با قرارداد محسوب نمی‌شود، مگر اینکه:

(الف) متناسب با اهدافی است که کالای با همان وصف به طور معمول مورد استفاده قرار می‌گیرد؛

(ب) متناسب با هرگونه هدف خاصی است که هنگام انعقاد قرارداد صریحاً یا ضمناً به اطلاع فروشنده رسانده شده است، مگر اینکه اوضاع و احوال نشان دهد که خریدار به مهارت یا تشخیص فروشنده اتکا نکرده است، یا اتکا به آن نامعقول بوده است؛

(ج) واجد کیفیت^{۳۴} کالایی است که فروشنده به عنوان نمونه یا مدل^{۳۵} به خریدار ارائه کرده است؛

(د) به طریقی ظرف‌بندی یا بسته‌بندی شده است که برای چنین کالایی معمول^{۳۶} است، یا در صورت فقد چنین طریقی، به نحوی که برای بقا و حفظ کالا کافی باشد.

(۳) فروشنده مسئول هرگونه عدم انطباق کالا طبق شقوق الف تا د بند پیشین نخواهد بود، مشروط بر اینکه هنگام انعقاد قرارداد خریدار از چنین عدم انطباقی مطلع بوده یا نمی‌توانسته نسبت به آن بی‌اطلاع باشد.

۳۳- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی واژه «کیفیت» معادل «جنس» در نظر گرفته شده است که البته این دو مفهوم متمایز از یکدیگر است.

۳۴- با آنکه در صدر ماده ۳۵ معادل دقیق واژه «کیفیت»، «Quality» در نظر گرفته شده است، اما همان واژه در شق ج به «وصف» ترجمه شده است.

۳۵- دو واژه «Sample» و «Model» به معنای نمونه و مدل بوده و تفاوت آن دو در این است که نمونه از کالای موجود ارائه می‌شود، درحالی که مدل برای کالایی است که باید ساخته و تولید شود و معمولاً هنگام انعقاد قرارداد وجود خارجی ندارد. در ترجمه دفتر خدمات حقوقی به جای این دو اصطلاح از واژگان مسطوره و نمونه استفاده شده که هر دو بیانگر یک معنی است. رک:

John O. Honnold, Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, (Kluwer Law International 3rd 1999), p. 255.

۳۶- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی واژه «Usual» به «متعارف» ترجمه شده است که به دلایل مذکور در پاورقی شماره ۲ صحیح به نظر نمی‌رسد.

ماده ۳۶

- (۱) مطابق قرارداد و کنوانسیون فروشنده مسؤل هرگونه عدم انطباقی است که در زمان انتقال ضمان معاوضی به خریدار وجود دارد، هرچند که عدم انطباق پس از زمان مزبور معلوم گردد.
- (۲) فروشنده همچنین مسؤل هرگونه عدم انطباقی است که پس از زمان اشاره شده در بند پیشین واقع می‌شود و از نقض هر یک از تعهدات او از جمله نقض هرگونه ضمانتی مبنی بر بقای تناسب کالا با هدف معمول آن یا برخی اهداف خاص برای یک دوره زمانی، یا بقای کیفیت و ویژگی‌های مشخص شده کالا، ناشی می‌شود.

ماده ۳۷

چنانچه فروشنده کالا را قبل از موعد تسلیم نموده باشد، وی می‌تواند تا موعد مزبور هرگونه بخش تسلیم نشده را تسلیم نموده یا هرگونه نقصان در مقدار کالای تسلیمی را برطرف کند، یا کالایی را به جای کالای غیرمنطبق تسلیمی، تحویل دهد یا هرگونه عدم انطباق در کالای تسلیمی را جبران نماید، مشروط بر اینکه استفاده از چنین حقی موجب هزینه یا زحمت غیر معقول خریدار نشود. با این وجود خریدار به نحوی که در این کنوانسیون مقرر شده است، هرگونه حق مطالبه خسارت برای خریدار محفوظ است.

ماده ۳۸

- (۱) خریدار باید در کوتاه‌ترین مهلتی که حسب اوضاع و احوال عملاً ممکن است کالا را بازرسی نموده یا موجبات بازرسی آن را فراهم نماید.
- (۲) چنانچه قرارداد متضمن حمل کالا باشد، بازرسی می‌تواند تا پس از وصول کالا به مقصد به تعویق بیفتد.
- (۳) هر گاه خریدار مقصد^{۳۷} کالای در جریان حمل را تغییر دهد یا کالا را مجدداً به مقصد دیگری ارسال کند بدون اینکه فرصت معقول جهت بازرسی داشته باشد و در زمان انعقاد قرارداد، بایع نسبت به امکان اینگونه تغییر مقصد

۳۷- در ترجمه فارسی کنوانسیون (مجله حقوقی بین‌المللی دفتر خدمات حقوقی، ش ۹) علاوه بر تغییر مقصد اشتباهاً به تغییر مسیر نیز اشاره شده است که در متن رسمی انگلیسی کنوانسیون چنین عبارتی دیده نمی‌شود و فقط به «Redirection» اشاره شده است. باید توجه داشت تغییر مسیر متفاوت از تغییر مقصد کالا است و کنوانسیون فقط تغییر مقصد کالا را مورد توجه قرار داده و در ادامه بند ۳ به ارسال مجدد کالا از سوی خریدار به مقصد دیگر اشاره کرده است.

یا ارسال مجدد به مقصد دیگر آگاهی داشته یا باید آگاهی می‌داشت، امر بازرسی می‌تواند تا وصول کالا به مقصد جدید به تعویق افتد.

ماده ۳۹

(۱) خریدار در صورتی که خطاری^{۳۸} را با تعیین ماهیت عدم انطباق ظرف مهلت معقول پس از اینکه آن را کشف کرده یا می‌باید کشف می‌کرده است به فروشنده ارسال نکند، حق استناد به عدم انطباق کالا را از دست خواهد داد.

(۲) در هر صورت، خریدار حق استناد به عدم انطباق چنانچه وی اخطار عدم انطباق را حداکثر ظرف مهلت دو سال از تاریخی که کالا عملاً به وی تسلیم شده است به فروشنده ارسال نکند، از دست خواهد داد، مگر اینکه این محدوده زمانی با دوره تضمین قراردادی مغایر باشد.

ماده ۴۰

چنانچه عدم انطباق مربوط به اموری باشد که فروشنده نسبت به آنها مطلع بوده یا نمی‌توانسته بی‌اطلاع باشد و آنها را به خریدار افشا نکرده باشد، وی استحقاق استناد به مقررات مواد ۳۸ و ۳۹ را نخواهد داشت.

ماده ۴۱

فروشنده باید کالایی را تسلیم نماید که مصون از هرگونه حق یا ادعای ثالث است، مگر اینکه خریدار به قبض کالای موضوع حق یا ادعای ثالث رضایت داده باشد. با این وجود چنانچه حق یا ادعای مزبور مبتنی بر حق مالکیت صنعتی یا سایر حقوق مالکیت معنوی باشد، تعهد فروشنده تحت شمول ماده ۴۲ قرار می‌گیرد.

ماده ۴۲

(۱) فروشنده باید کالایی را تسلیم نماید که مصون از حق یا ادعای شخص ثالث مبنی بر مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی است که در زمان انعقاد قرارداد فروشنده از آن مطلع بوده یا نمی‌توانسته نسبت به آن بی‌اطلاع باشد، مشروط بر اینکه حق یا ادعای مبتنی بر مالکیت صنعتی یا سایر مالکیت‌های معنوی:

۳۸- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی در ترجمه واژه «Notice» از معادل «یادداشت» استفاده شده است که بدلائل مذکور در پاورقی ماده ۲۶ صحیح نمی‌باشد.

(الف) مبتنی بر حقوق کشوری باشد که کالا در آنجا با فروش یا به طرق دیگری مورد استفاده قرار خواهد گرفت و با فروش یا طرق دیگر استفاده در کشور مزبور در زمان انعقاد قرارداد مد نظر طرفین قرار گرفته باشد.

یا

(ب) در سایر موارد، تحت حقوق کشوری که محل تجارت خریدار در آن قرار دارد.

(۲) تعهد فروشنده طبق بند پیشین به مواردی تسری نمی‌یابد که:

(الف) هنگام انعقاد قرارداد خریدار از حق یا ادعا اطلاع داشته یا نمی‌توانسته نسبت به آن بی‌اطلاع باشد؛ یا

(ب) حق یا ادعا ناشی از تبعیت فروشنده از نقشه‌های فنی، طرح‌ها، فرمول‌ها یا سایر مشخصات تهیه شده توسط خریدار باشد.

ماده ۴۳

(۱) چنانچه خریدار اخطاری را با تعیین ماهیت حق یا ادعای شخص ثالث ظرف مهلت معقول پس از اینکه از حق یا ادعای مزبور آگاه شده یا می‌بایست آگاه می‌شده است، به فروشنده ارسال نکند، حق استناد به مقررات ماده ۴۱ یا ۴۲ کنوانسیون را از دست خواهد داد.

(۲) فروشنده در صورتی که از حق یا ادعای شخص ثالث و ماهیت آن آگاه بوده باشد، استحقاق استناد به مقررات بند پیشین را نخواهد داشت.

ماده ۴۴

به رغم مقررات بند (۱) ماده ۳۹ و بند (۱) ماده ۴۳، چنانچه خریدار عذر موجهی برای عدم ارسال اخطار لازم داشته باشد، وی می‌تواند طبق ماده ۵۰ ثمن را کاهش داده یا مطالبه خسارت به جز عدم‌النفع نماید.

قسمت سوم: ضمانت اجرای ناشی از نقض قرارداد توسط فروشنده

ماده ۴۵

(۱) چنانچه فروشنده هر یک از تعهدات خود را طبق قرارداد یا کنوانسیون حاضر ایفاء ننماید، خریدار می‌تواند:

(الف) حقوق مقرر در مواد ۴۶ تا ۵۲ را اعمال نماید؛

(ب) طبق مواد ۷۴ تا ۷۷ مطالبه خسارت کند.

(۲) خریدار با اعمال حق خود نسبت به سایر ضمانت‌اجراها از هیچ حقی که ممکن است نسبت به مطالبه خسارت داشته باشد، محروم نخواهد شد.

(۳) در صورت توسل خریدار به هر یک از ضمانت‌اجراهای ناشی از نقض قرارداد، دادگاه یا دیوان داوری هیچ مهلت اضافی برای فروشنده اعطاء نخواهد کرد.

ماده ۴۶

(۱) خریدار می‌تواند اجرای تعهدات فروشنده را از وی مطالبه کند، مگر اینکه وی به ضمانت‌اجرای متوسل شده باشد که با چنین درخواستی مغایر است.

(۲) در صورت عدم انطباق کالا با قرارداد، خریدار تنها در صورتی می‌تواند تسلیم جایگزین کالا را مطالبه کند که عدم انطباق نقض اساسی قرارداد محسوب شود و درخواست کالای جایگزین ۴۰ به همراه اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مهلت معقولی پس از آن انجام گیرد.

۳۹- واژه «Remedy» در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی به اشتباه به «طرق جبران خسارت» ترجمه شده است، درحالی که اصطلاح مزبور سایر طرق جبران مانند اجرای عین تعهد یا فسخ قرارداد را در بر نمی‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که استفاده از عبارت طرق جبران یا ضمانت‌اجراها جایگزین مناسبی برای واژه «Remedy» باشد. همین اشتباه در بند ۲ و ۳ ماده ۴۵، بند ۱ ماده ۴۶، بند ۲ ماده ۴۷، بند ۲ ماده ۴۸، بند ۳ و ۲ ماده ۶۱، ماده ۶۲، بند ۲ ماده ۶۳، ماده ۷۰ و ماده ۸۳ کنوانسیون تکرار شده است.

۴۰- با آنکه در لغت واژه «Substitute» به معنای «بدل» نیز در نظر گرفته شده و در ترجمه دفتر خدمات نیز از همین عبارت استفاده شده است، اما عبارت جانشین در این مورد مناسب‌تر است، زیرا در لسان حقوق مدنی ایران واژه بدل معمولاً مثل یا قیمت مال تلف شده است و بهتر است برای پرهیز از این ابهام، «Substitute Goods» به عنوان «کالای جایگزین» ترجمه شود.

(۳) در صورت عدم انطباق کالا با قرارداد، خریدار می‌تواند درخواست نماید تا فروشنده عدم انطباق را با تعمیر کالا جبران نماید، مگر اینکه این درخواست با ملاحظه تمام اوضاع و احوال غیر معقول باشد. درخواست تعمیر کالا باید به همراه اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مهلت معقولی پس از آن انجام یابد.

ماده ۴۷

- (۱) خریدار می‌تواند برای ایفای تعهدات فروشنده مهلت اضافی معقولی تعیین کند.
- (۲) جز در صورتی که خریدار اخطاری از سوی فروشنده مبنی بر اینکه او ظرف مهلت تعیین شده تعهدات خود را ایفاء نخواهد نمود، دریافت کند، خریدار ظرف مهلت مزبور نمی‌تواند به هیچیک از ضمانت‌های ناشی از نقض قرارداد متوسل گردد. با این وجود خریدار از هرگونه حق مطالبه خسارت که ممکن است از تأخیر در اجرا ناشی شود، محروم نخواهد شد.

ماده ۴۸

- (۱) با رعایت ماده ۴۹، فروشنده می‌تواند، حتی پس از موعد تسلیم، هرگونه عدم ایفای تعهداتش را به هزینه خود جبران نماید، مشروط بر اینکه بتواند آن را بدون تأخیر نامعقول و بدون اینکه موجب زحمت غیر معقول به خریدار گردد یا بدون اینکه موجب ابهامی در خصوص بازپرداخت هزینه‌های وارده به خریدار شود، انجام دهد. با این وجود هرگونه حق مطالبه خسارت به نحوی که در کنوانسیون حاضر مقرر شده برای خریدار محفوظ خواهد ماند.
- (۲) چنانچه فروشنده از خریدار درخواست نماید تا تمایل خود به قبول اجرای تعهد را اعلام نماید و خریدار ظرف مهلت معقول به این درخواست پاسخ ندهد، فروشنده می‌تواند ظرف مهلت تعیین شده در درخواست خود، تعهد را اجرا کند. ظرف مهلت مزبور، خریدار نمی‌تواند به هیچیک از ضمانت‌های اجرایی که با اجرای تعهد فروشنده مغایر است، متوسل گردد.
- (۳) اخطار ارسالی از سوی فروشنده مبنی بر اینکه او ظرف مهلت معینی تعهدات خویش را اجرا خواهد نمود، به منزله درخواست فروشنده از خریدار مبنی بر اعلام تصمیم خویش طبق بند پیشین است.
- (۴) درخواست یا اخطار ارسالی توسط فروشنده طبق بندهای (۲) و (۳) ماده حاضر نافذ نیست مگر اینکه به خریدار واصل شود.

ماده ۴۹

(۱) خریدار می‌تواند فسخ قرارداد را اعلام کند:

(الف) چنانچه عدم ایفای هر یک از تعهدات فروشنده طبق قرارداد یا کنوانسیون حاضر نقض اساسی قرارداد به شمار آید؛ یا

(ب) در مورد عدم تسلیم، چنانچه فروشنده کالا را ظرف مهلت اضافی تعیین شده توسط خریدار طبق بند (۱) ماده ۴۷ تسلیم نکند یا اعلام نماید که ظرف مهلت مزبور تسلیم نخواهد نمود.

(۲) با این وجود، در مواردی که فروشنده کالا را تسلیم نموده است، خریدار حق اعلام فسخ قرارداد را از دست می‌دهد، مگر اینکه او به نحو زیر اعلام فسخ کند:

(الف) در ارتباط با تأخیر در تسلیم، ظرف مهلت معقول پس از آگاهی از تسلیم کالا؛

(ب) در ارتباط با هرگونه نقضی غیر از تأخیر در تسلیم، ظرف مهلت معقول:

(اول) پس از اینکه از نقض مطلع شده یا می‌بایست مطلع می‌شده است؛

(دوم) پس از انقضای هرگونه مهلت اضافی تعیین شده از سوی خریدار طبق بند (۱) ماده ۴۷، یا پس از اعلام

فروشنده مبنی بر اینکه ظرف مهلت اضافی مزبور تعهداتش را ایفاء نخواهد نمود؛ یا

(سوم) پس از انقضای هرگونه مهلت اضافی تعیین شده از سوی فروشنده طبق بند (۲) ماده ۴۸، یا پس از

اعلام خریدار مبنی بر اینکه او اجرای تعهد را نخواهد پذیرفت.

ماده ۵۰

در صورت عدم انطباق کالا با قرارداد و صرف نظر از اینکه ثمن قبلاً تأدیه شده است یا نه، خریدار می‌تواند ثمن را به نسبت ارزشی که کالا تحویلی در روز تسلیم داشته است و ارزشی که کالای منطبق در زمان تسلیم دارا بوده است، تقلیل دهد. با این وجود، چنانچه فروشنده عدم اجرای تعهدات خود را طبق ماده ۳۷ یا ۴۸ جبران نماید یا اگر خریدار از قبول اجرای فروشنده تحت مواد مذکور خودداری کند، خریدار نمی‌تواند ثمن را تقلیل دهد.

ماده ۵۱

- (۱) چنانچه فروشنده تنها قسمتی از کالا را تسلیم نماید یا چنانچه تنها قسمتی از کالای تسلیمی منطبق با قرارداد باشد، مواد ۴۶ تا ۵۰ نسبت به قسمتی که تسلیم نشده یا قسمتی که منطبق نیست، اعمال می‌گردد.
- (۲) خریدار تنها در صورتی می‌تواند کل قرارداد را فسخ نماید که عدم تسلیم کامل^{۴۱} کالا یا عدم انطباق با قرارداد، نقض اساسی قرارداد محسوب گردد.

ماده ۵۲

- (۱) چنانچه فروشنده کالا را قبل از موعد مقرر تسلیم نماید، خریدار می‌تواند آن را قبض نموده یا از قبض آن خودداری نماید.
- (۲) چنانچه فروشنده مقدار کالا را بیش از آنچه که در قرارداد مقرر شده است، تسلیم نماید، خریدار می‌تواند مقدار مازاد را قبض نموده یا از قبض آن خودداری ورزد. چنانچه خریدار تمام یا بخشی از مقدار مازاد را قبض کند، او باید ثمن آن را به قیمت مقرر در قرارداد تأدیه نماید.

فصل سوم: تعهدات خریدار

ماده ۵۳

خریدار باید به نحوی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است، ثمن را تأدیه نموده و کالا را قبض نماید.

۴۱- بند ۲ ماده ۵۱ کنوانسیون ناظر بر بند ۱ آن است و بنابراین منظور از «عدم تسلیم تمام کالا»، همان تسلیم قسمتی از کالای مورد توافق است. در ترجمه رسمی عربی کنوانسیون نیز برای بیان مقصود از عبارت عدم اجرای جزئی استفاده شده است. در ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی از عبارت «قصور در تسلیم همه کالا» استفاده شده است که می‌تواند این شبهه را ایجاد کند که منظور عدم تسلیم کل کالای موضوع قرارداد است. همچنین در ترجمه ترکی کنوانسیون نیز برای از بین بردن این شبهه از واژه «Eksik» که به معنای ناقص است، استفاده شده است. بنابراین منظور از «عدم تسلیم کامل» تسلیم بخشی از کالای مورد توافق است.

قسمت اول: تأدیه ثمن

ماده ۵۴

تعهد خریدار به پرداخت ثمن شامل انجام چنان اقدامات و رعایت تشریفات است که ممکن است طبق قرارداد یا قوانین و مقررات برای امکان پرداخت ثمن لازم تلقی شود.

ماده ۵۵

هنگامی که قرارداد به نحو معتبری منعقد شده باشد، اما صریحاً یا ضمناً ثمن را مشخص ننموده یا مقرره‌ای برای تعیین آن پیش‌بینی ننموده است، در فقدان هرگونه قرینه مخالف، فرض می‌شود که طرفین به طور ضمنی به قیمت رایج در زمان انعقاد قرارداد برای این نوع کالای فروخته شده در اوضاع و احوال مشابه در تجارت مربوطه ارجاع داده‌اند.

ماده ۵۶

چنانچه ثمن بر طبق وزن کالا تعیین شده باشد، در صورت تردید، ثمن باید بر اساس وزن خالص تعیین گردد.

ماده ۵۷

(۱) چنانچه خریدار ملزم به تأدیه ثمن در محل معین دیگری نباشد، او باید ثمن را به فروشنده تأدیه نماید:

(الف) در محل تجارت فروشنده؛ یا

(ب) چنانچه تأدیه باید در برابر تسلیم کالا یا اسناد صورت گیرد، در محلی که تسلیم انجام می‌گیرد.

(۲) فروشنده باید هرگونه افزایش هزینه‌ای که لازمه پرداخت است و از تغییر محل تجارت وی متعاقب انعقاد قرارداد ناشی شده است، متحمل گردد.

ماده ۵۸

(۱) چنانچه خریدار ملزم به تأدیه ثمن در زمان معین دیگری نباشد، او باید ثمن را هنگامی که فروشنده کالا یا اسناد

استیلای بر آن را طبق قرارداد و کنوانسیون حاضر در اختیار خریدار قرار می‌دهد، تأدیه نماید. فروشنده می‌تواند

چنین پرداختی را شرط تسلیم کالا یا اسناد قرار دهد.

(۲) چنانچه قرارداد متضمن حمل کالا باشد، فروشنده می‌تواند کالا را با شروطی ارسال دارد که طبق آن کالا یا اسناد استیلای بر تصرف آن، جز در صورت تأدیه ثمن، به خریدار تسلیم نشود.

(۳) تا زمانی که خریدار فرصت بازرسی کالا را پیدا نکرده است، ملزم به تأدیه ثمن نیست؛ مگر اینکه طرق تسلیم یا پرداخت مورد توافق طرفین با دارا بودن چنین فرصتی منافات داشته باشد.

ماده ۵۹

خریدار باید ثمن را در تاریخ مقرر یا قابل تعیین از طریق قرارداد و کنوانسیون حاضر، بدون آنکه مستلزم هرگونه درخواست یا رعایت هرگونه تشریفات از سوی فروشنده باشد، تأدیه کند.

قسمت دوم: قبض کالا

ماده ۶۰

تعهد خریدار به قبض عبارت است از:

- (الف) انجام تمام اعمالی که به طور معقول بتوان از او انتظار داشت تا فروشنده را به تسلیم کالا قادر سازد؛ و
- (ب) تحویل گرفتن کالا.

قسمت سوم: ضمانت اجرای ناشی از نقض قرارداد توسط خریدار

ماده ۶۱

(۱) چنانچه خریدار نتواند هر یک از تعهدات خود را طبق قرارداد یا کنوانسیون حاضر ایفاء نماید، فروشنده می‌تواند:

(الف) حقوق مقرر در مواد ۶۲ تا ۶۵ را اعمال نماید؛

(ب) به نحوی در مواد ۷۴ تا ۷۷ مقرر شده است، مطالبه خسارت کند.

(۲) فروشنده با اعمال حق خود نسبت به سایر ضمانت‌اجراها از هیچ حقی که ممکن است نسبت به مطالبه خسارت داشته باشد، محروم نخواهد شد.

(۳) در صورت توسل فروشنده به هر یک از ضمانت اجراهای ناشی از نقض قرارداد، دادگاه یا دیوان داوری هیچ مهلت اضافی برای فروشنده اعطاء نخواهد کرد.

ماده ۶۲

فروشنده می‌تواند از خریدار پرداخت ثمن، قبض یا ایفای سایر تعهدات وی را مطالبه کند، مگر اینکه فروشنده به ضمانت اجرایی متوسل شده باشد که با این درخواست وی مغایر است.

ماده ۶۳

(۱) فروشنده می‌تواند برای ایفای تعهدات خریدار مهلت اضافی معقولی تعیین کند.
(۲) جز در صورتی که فروشنده اختطاری از سوی خریدار مبنی بر اینکه او ظرف مهلت تعیین شده تعهدات خود را ایفاء نخواهد نمود، دریافت کند، فروشنده ظرف مهلت مزبور نمی‌تواند به هیچیک از ضمانت اجراهای ناشی از نقض قرارداد متوسل گردد. با این وجود فروشنده از هرگونه حق مطالبه خسارت که ممکن است از تأخیر در اجرا ناشی شود، محروم نخواهد شد.

ماده ۶۴

(۱) فروشنده در موارد زیر می‌تواند فسخ قرارداد^{۴۲} را اعلام کند:
(الف) چنانچه عدم ایفای هر یک از تعهدات خریدار طبق قرارداد یا کنوانسیون حاضر، نقض اساسی قرارداد محسوب شود؛ یا
(ب) چنانچه خریدار، ظرف مهلت اضافی تعیین شده توسط فروشنده طبق بند ۱ ماده ۶۳، تعهدات خود مبنی بر تأدیه ثمن یا قبض کالا را ایفاء ننماید، یا چنانچه او اعلام کند که ظرف مهلت مزبور نسبت به انجام آن اقدام نخواهد نمود.
(۲) با این وجود، در مواردی که خریدار ثمن را تأدیه نموده است، فروشنده حق اعلام فسخ قرارداد را از دست خواهد داد، مگر اینکه به نحو ذیل عمل کند:

۴۲- همانگونه که ذیل ماده ۲۶ کنوانسیون توضیح داده شد، مناسب‌ترین واژه در ادبیات فارسی حقوقی برای عبارت «Avoidance» که بیانگر مفهوم آن در حقوق ایران باشد، عبارت «فسخ» است که در ترجمه دفتر خدمات به اشتباه از عبارت «باطل» استفاده شده است.

- (الف) در رابطه با ایفای همراه با تأخیر توسط خریدار، پیش از اینکه فروشنده از انجام تعهد آگاه شده باشد؛ یا
- (ب) در رابطه هرگونه نقضی غیر از ایفای همراه با تأخیر توسط خریدار، ظرف مهلت معقول:
- (اول) پس از اینکه فروشنده از نقض آگاه شده یا می‌بایست آگاه می‌شده است؛ یا
- (دوم) پس از انقضای هرگونه مهلت اضافی تعیین شده توسط فروشنده طبق بند ۱ ماده ۶۳، یا پس از آنکه خریدار اعلام نموده است که ظرف مهلت اضافی مزبور تعهدات خود را ایفاء نخواهد نمود.

ماده ۶۵

- (۱) چنانچه طبق قرارداد تعیین شکل، اندازه یا سایر ویژگی‌های کالا بر عهده خریدار باشد و وی نتواند چنین مشخصاتی را در موعد مقرر یا ظرف مدت معقول پس از وصول درخواست از فروشنده تعیین کند، فروشنده می‌تواند بدون اینکه خدشه‌ای به سایر حقوق وی وارد گردد، خود مشخصات را منطبق با نیازهای^{۴۳} خریدار که ممکن است برای او معلوم باشد، تعیین نماید.
- (۲) چنانچه فروشنده شخصاً مشخصات کالا را تعیین نماید، باید خریدار را از جزئیات آن آگاه نموده و مدت معقولی تعیین کند که ظرف آن خریدار بتواند مشخصات متفاوتی ارائه کند. چنانچه خریدار پس از دریافت اعلام مزبور نتواند ظرف مهلت تعیین شده مشخصات متفاوت ارائه کند، مشخصات تعیین شده توسط فروشنده الزام آور خواهد بود.

۴۳- دفتر خدمات حقوقی در ترجمه واژه «Requirements of the Buyer» از معادل «خواسته‌های خریدار» استفاده نموده است که صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا متبادر از آن این معنی است که فروشنده از قصد درونی خریدار برای مصرف کالا آگاه بوده است. درحالی که واژه مناسب برای عبارت انگلیسی مذکور «نیازهای مشتری» است که بیشتر جنبه نوعی دارد و از فعالیت تجاری خریدار و رویه معمول به طرفین قابل احراز است. نسخه عربی و ترجمه ترکی کنوانسیون نیز این مطلب را تأیید می‌کند.

فصل چهارم: انتقال ضمان معاوضی

ماده ۶۶

تلف یا خسارت وارده به کالا پس از انتقال ضمان معاوضی به خریدار، وی را از تعهد خود به تأدیه ثمن بری نمی‌سازد، مگر اینکه تلف یا خسارت وارده ناشی از فعل یا ترک فعل فروشنده باشد.

ماده ۶۷

(۱) هرگاه قرارداد بیع متضمن حمل کالا باشد و فروشنده ملزم به تسلیم آنها در محل معینی نباشد، از زمانی که کالا مطابق قرارداد بیع، جهت ارسال به خریدار تسلیم اولین متصدی حمل و نقل می‌شود، ضمان معاوضی به خریدار منتقل می‌گردد. هرگاه فروشنده ملزم به تسلیم کالا به متصدی حمل و نقل در محل معینی باشد، تا زمانی که کالا تسلیم متصدی حمل و نقل در محل مزبور نشده است، ضمان معاوضی به خریدار منتقل نخواهد شد. این امر که فروشنده مجاز باشد اسناد استیلای کالا را نزد خود نگه دارد، اثری در انتقال ضمان معاوضی نخواهد داشت.

(۲) با این وجود، تا زمانی که کالا خواه از طریق علامت‌گذاری روی آنها، خواه بوسیله اسناد حمل^{۴۴} و خواه با اخطار به خریدار یا به نحو دیگر به وضوح به قرارداد تخصیص داده نشده باشد، ضمان معاوضی به خریدار منتقل نخواهد شد.

ماده ۶۸

در رابطه با کالایی که در جریان حمل فروخته می‌شود، ضمان معاوضی از هنگام انعقاد قرارداد به خریدار منتقل می‌گردد. با این وجود، چنانچه اوضاع و احوال به نحو دیگری دلالت کند، ضمان معاوضی از هنگامی که کالا تسلیم متصدی حمل و نقلی می‌شود که اسناد مربوط به قرارداد حمل را صادر نموده است، بر عهده خریدار خواهد بود. با این وجود، چنانچه هنگام انعقاد قرارداد بیع فروشنده از تلف یا خسارت کالا مطلع بوده یا باید مطلع می‌بوده است و آن را برای خریدار فاش نکند، تلف یا خسارت بر عهده فروشنده می‌باشد.

۴۴- در ترجمه «Shipping Documents» دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی از واژه «بارنامه» استفاده نموده است که صحیح نیست، زیرا بارنامه‌ها تنها یکی از انواع مختلف اسناد حمل محسوب می‌شوند.

ماده ۶۹

(۱) در غیر موارد مشمول ماده ۶۷ و ۶۸، ضمان معاوضی هنگامی به خریدار منتقل می‌شود که کالا را قبض کند یا، چنانچه در موعد مقرر آن را قبض ننماید، از تاریخی که کالا در اختیار وی قرار می‌گیرد و او با عدم قبض کالا مرتکب نقض قرارداد می‌شود.

(۲) معهداً چنانچه خریدار ملزم به قبض کالا در محلی غیر از محل تجارت فروشنده باشد، با فرا رسیدن موعد تسلیم و آگاهی خریدار از اینکه کالا در محل مزبور در اختیار او قرار داده شده است، ضمان معاوضی به وی منتقل می‌شود.

(۳) چنانچه قرارداد راجع به کالایی باشد که هنوز^{۴۵} تخصیص داده نشده است، تا زمانی که کالا وضوحاً به قرارداد تخصیص نیافته است، فرض بر این است که آن کالا در اختیار خریدار قرار نگرفته است.

ماده ۷۰

چنانچه فروشنده مرتکب نقض اساسی قرارداد شده باشد، مواد ۶۷، ۶۸ و ۶۹ خللی به ضمانت اجراهای در دسترس خریدار به علت نقض وارد نخواهد کرد.

فصل پنجم: مقررات مشترک ناظر بر تعهدات فروشنده و خریدار

قسمت اول: نقض قابل پیش‌بینی و قراردادهای اقساطی

ماده ۷۱

(۱) چنانچه پس از انعقاد قرارداد معلوم^{۴۶} گردد که یکی از طرفین بخش اساسی تعهدات خود را به علل زیر ایفاء نخواهد نمود، طرف مقابل می‌تواند اجرای تعهدات خودش را معلق نماید:

۴۵- در ترجمه فارسی کنوانسیون منتشره در مجله شماره ۹ دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی به جای عبارت « هنوز » به اشتباه از عبارت «در زمان انعقاد قرارداد» استفاده شده است. درحالی که موضوع بند ۳ ماده ۶۹ ارتباطی به زمان انعقاد قرارداد نداشته و با بند ۲ ماده ۶۹ در ارتباط است که بند مزبور نیز به زمان قرار دادن کالا در اختیار خریدار مربوط می‌شود.

(الف) نقصان فاحش در توانایی متعهد در ایفای تعهد یا اعتبار او؛ یا

(ب) رفتار وی در تمهید اجرا، یا اجرای قرارداد.

(۲) چنانچه فروشنده قبلاً کالا را پیش از معلوم شدن جهات مذکور در بند پیشین ارسال نموده باشد، او می‌تواند از تسلیم کالا به خریدار جلوگیری نماید حتی در صورتی که خریدار سندی داشته باشد که او را به تحصیل کالا مستحق می‌سازد. بند حاضر تنها به حقوق میان خریدار و فروشنده نسبت به کالا ارتباط دارد.

(۳) طرفی که اجرای تعهد را معلق می‌سازد، خواه قبل از ارسال کالا یا پس از آن، باید بلافاصله اخطار تعلیق را به طرف دیگر ارسال نموده و چنانچه طرف مزبور اطمینان کافی نسبت به اجرای تعهد خویش ارائه کند، اجرای تعهد را از سر بگیرد.

ماده ۷۲

(۱) چنانچه قبل از تاریخ اجرای قرارداد، روشن شود که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد، طرف مقابل می‌تواند فسخ قرارداد را اعلام نماید.

(۲) چنانچه زمان ایجاب کند، طرفی که قصد اعلام فسخ قرارداد را دارد، باید اخطار معقولی را به طرف دیگر ارسال کند تا به طرف مزبور امکان ارائه اطمینان کافی برای اجرای تعهدش را فراهم سازد.

(۳) چنانچه طرف دیگر اعلام نموده باشد که تعهدات خود را ایفاء نخواهد نمود، شرایط بند پیشین اعمال نمی‌گردد.

۴۶- مواد ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ کنوانسیون به پیش‌بینی نقض قرارداد اختصاص یافته است، اما اهداف، شرایط اعمال و احکام مواد یاد شده متفاوت است. ماده ۷۱ به تعلیق قرارداد اشاره نموده است و مواد ۷۲ و ۷۳ ناظر بر فسخ قرارداد است. در ترجمه فارسی دفتر خدمات حقوقی هر دو عبارت «It Becomes Apparent» در ماده ۷۱ و «It is Clear» در ماده ۷۲ به عبارت «هر گاه معلوم گردد» ترجمه شده است. در حالی که به نظر اغلب حقوقدانان بین این دو عبارت تفاوت وجود دارد و این تفاوت در متن نسخه فرانسوی کنوانسیون نیز ملاحظه می‌شود. در تفسیر ماده بیان شده است که شرایط اعمال ماده ۷۱ آسان‌تر از شرایط اعمال ماده ۷۲ است. در نتیجه به نظر می‌رسد که برای به نشان دادن این تفاوت و تمایز بهتر است که برای عبارت «it Becomes Apparent» از ترجمه «اگر معلوم گردد» و برای عبارت «it is clear» از ترجمه «روشن است» استفاده شود. برای مطالعه بیشتر رک:

C Liu, *Suspension or Avoidance Due to Anticipatory Breach: Perspective From Arts. 71/72 CISG, the UNIDROIT Principles, PECL and Case Law*, available at [http://www.CISg.Law.Pace.edu/cisg/binlio/Liu 9. Html](http://www.CISg.Law.Pace.edu/cisg/binlio/Liu%209.html); T Bennett, in *B.B commentary*, p. 522; F Enderlein D Maskow, *op. cit.*, p. 286.

ماده ۷۳

(۱) در مورد قرارداد تسلیم کالا به نحو اقساطی^{۴۷}، چنانچه عدم ایفای هر یک از تعهدات یکی از طرفین نسبت به هر بخش از آن نقض اساسی قرارداد در رابطه با همان قسمت محسوب شود، طرف مقابل می‌تواند فسخ قرارداد را نسبت به بخش مزبور اعلام نماید.

(۲) چنانچه عدم ایفای هر یک از تعهدات یکی از طرفین نسبت به هر بخش دلایل موجهی در اختیار طرف دیگر قرار دهد تا به این نتیجه برسد که نقض اساسی قرارداد نسبت به اقساط آتی اتفاق خواهد افتاد، او می‌تواند فسخ قرارداد را برای آینده اعلام نماید، مشروط بر اینکه آن را ظرف مهلت معقول انجام دهد.

(۳) خریداری که فسخ قرارداد را نسبت به هر بخش از تسلیم اعلام می‌کند، می‌تواند در عین حال، قرارداد را نسبت به بخش‌هایی که قبلاً تسلیم شده است یا در آینده تسلیم خواهد شد، فسخ نماید، مشروط بر اینکه به دلیل همبستگی آنها، بخش‌های مزبور نتواند برای مقاصد دیگری در زمان انعقاد قرارداد مد نظر داشته‌اند، مورد استفاده قرار گیرد.

قسمت دوم: خسارت

ماده ۷۴

خسارت ناشی از نقض قرارداد توسط یکی از طرفین عبارت است از مبلغی معادل با زیان، از جمله عدم‌النفع، که طرف دیگر در نتیجه نقض قرارداد متحمل شده است. چنین خسارتی نمی‌تواند از زیانی که نقض‌کننده در زمان انعقاد قرارداد در سایه امور و وقایعی که او نسبت به آن آگاه بوده یا می‌بایست آگاه می‌بوده است و به عنوان اثر احتمالی نقض قرارداد پیش‌بینی نموده یا می‌بایست پیش‌بینی می‌نموده است، فراتر رود.

۴۷- اصطلاح قراردادهای اقساطی در ادبیات حقوقی ما ناظر بر قراردادهایی است که ثمن آن در چند قسط قابل پرداخت است، اما در خصوص قراردادهایی که مبیع بایستی در دفعات متعدد تسلیم شود، چنین اصطلاحی رایج نیست. به منظور رفع هرگونه شبهه در ترجمه این ماده در مواردی از واژه «بخش» به جای «قسط» استفاده شده است و هر دو عبارت فارسی مزبور مترادف با «Installment» است.

ماده ۷۵

چنانچه قرارداد فسخ شود و اگر به طریق معقول و ظرف مدت معقولی پس از فسخ، خریدار کالای جایگزین خریداری نموده باشد یا فروشنده کالا را بازفروش کند، طرفی که مدعی خسارت است می‌تواند تفاوت بین قیمت قرارداد و معامله جایگزین را به علاوه سایر خسارت قابل مطالبه طبق ماده ۷۴ را وصول نماید.

ماده ۷۶

(۱) چنانچه قرارداد فسخ شود و قیمت رایجی برای کالا وجود داشته باشد، طرفی که مطالبه خسارت می‌کند، می‌تواند چنانچه طبق ماده ۷۵ خرید یا بازفروش انجام نداده باشد، تفاوت بین قیمت تعیین شده در قرارداد و قیمت رایج در زمان فسخ قرارداد به علاوه هرگونه خسارت قابل مطالبه دیگر طبق ماده ۷۴ کنوانسیون را وصول کند. با این وجود اگر طرفی که ادعای خسارت می‌کند، قرارداد را پس از قبض کالا فسخ نماید، قیمت رایج در زمان قبض به جای قیمت رایج در زمان فسخ اعمال خواهد شد.

(۲) در راستای اهداف بند پیشین، قیمت رایج عبارت از قیمتی است که در محلی که کالا بایستی تسلیم می‌شده است، متداول است یا در صورتی که در محل مزبور قیمت رایج وجود نداشته باشد، با در نظر گرفتن تفاوت هزینه‌های حمل کالا، قیمت در محل دیگری که جایگزین معقولی محسوب شود.

ماده ۷۷

طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند باید اقداماتی را که با ملاحظه اوضاع و احوال جهت تقلیل خسارت ناشی از نقض از جمله عدم‌النفع معقول است، انجام دهد. چنانچه وی چنین اقداماتی را انجام ندهد^{۴۸}، نقض‌کننده می‌تواند تقلیل میزان خسارت را تا مقداری که زیان می‌بایست تقلیل می‌یافته است، مطالبه کند.

۴۸- در ترجمه دفتر خدمات حقوقی قصور در انجام وظیفه تقلیل در ترجمه «Fails to make such Measures» مورد اشاره قرار گرفته است که ممکن است این شبهه را در ذهن ایجاد کند که شرط تحقق مسئولیت در چنین مواردی اثبات تقصیر است، بنابراین با در نظر گرفتن اینکه صرف نقض تعهد قراردادی موجب مسئولیت است، استفاده از واژه تقصیر دقیق به نظر نمی‌رسد.

قسمت سوم: بهره

ماده ۷۸

چنانچه طرف قرارداد نتواند ثمن یا سایر مبالغ معوقه را تأدیه کند، طرف مقابل استحقاق دریافت بهره آن را دارد، بدون اینکه خللی به حق مطالبه خسارت قابل وصول طبق ماده ۷۴ وارد شود.

قسمت چهارم: معافیت‌ها

ماده ۷۹

(۱) چنانچه طرف قرارداد اثبات نماید که عدم ایفاء به سبب مانع خارج از کنترل وی بوده و نتوان به طور معقول از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد مانع مزبور را مد نظر قرار داده یا از آن اجتناب نموده یا بر آن یا آثار آن غلبه کند، مسئول عدم انجام تعهدات خویش نخواهد بود.

(۲) چنانچه عدم ایفاء طرف قرارداد به علت عدم اجرا توسط شخص ثالثی است که او برای اجرای تمام یا بخشی از قرارداد به کار گرفته است، شخص مزبور تنها در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که:

(الف) او طبق بند پیشین از مسئولیت معاف باشد؛ یا

(ب) شخصی هم که او به کار گرفته است در صورت اعمال مقررات بند پیشین بر او از مسئولیت معاف شود.

(۳) معافیت مقرر در این ماده در دوره زمانی که مانع موجود است، واجد اثر خواهد بود.

(۴) طرفی که تعهد را ایفاء ننموده است، باید اختطاری مبنی بر وجود مانع و اثر آن بر توانایی خود بر اجرا به طرف دیگر ارائه نماید. چنانچه اختطار ظرف مدت معقول پس از اینکه مرتکب عدم ایفاء از وجود مانع مطلع شده یا می‌بایست مطلع می‌شده است به طرف دیگر واصل نگردد، او مسئول خسارتی است که از چنین عدم وصولی ناشی می‌گردد.

(۵) ماده حاضر هیچ یک از طرفین را از اعمال هرگونه حقی غیر از مطالبه خسارت طبق این کنوانسیون منع نمی‌کند.

ماده ۸۰

طرف قرارداد نمی‌تواند به عدم ایفای طرف مقابل تا حدی که چنین عدم ایفایی ناشی از فعل یا ترک فعل اوست، استناد کند.

قسمت پنجم: آثار فسخ

ماده ۸۱

(۱) فسخ قرارداد بدون آنکه خللی به خسارت قابل مطالبه وارد کند، هر دو طرف را از تعهدات قراردادی بری خواهد نمود.^{۴۹} فسخ قرارداد اثری در شرایط قرارداد نسبت به حل و فصل اختلافات یا دیگر شرایط قرارداد که بر حقوق و تعهدات طرفین متعاقب فسخ قرارداد حاکم است، نخواهد داشت.

(۲) طرفی که تمام یا بخشی از قرارداد را ایفاء نموده است، می‌تواند استرداد آنچه را که به موجب قرارداد تهیه یا تأدیه نموده است، از طرف دیگر مطالبه کند. چنانچه هر دو طرف ملزم به استرداد باشند، باید به نحو همزمان انجام دهند.

ماده ۸۲

(۱) چنانچه برای خریدار استرداد کالا اساساً در شرایطی که آن را دریافت نموده است، ممکن نباشد، وی حق اعلام فسخ قرارداد یا درخواست تسلیم جایگزین کالا از سوی فروشنده را از دست خواهد داد.

(۲) بند پیشین اعمال نمی‌گردد:

۴۹- دفتر خدمات حقوقی با ترجمه جمله اول بند ۱ به « بطلان قرارداد، طرفین را از انجام تعهدات موضوع قرارداد، به شرط تأدیه هر نوع خسارت قابل مطالبه، مبری می‌کند» این شبهه را ایجاد نموده است که شرط براءت، تأدیه خسارت است، درحالی که منظور کنوانسیون این نیست که تأدیه خسارت شرط براءت باشد، بلکه طرفین با فسخ قرارداد از تعهدات قراردادی خود بری شده اما در صورت ورود خسارت باید عامل ورود زیان آن را تأدیه کند.

(الف) چنانچه عدم امکان استرداد یا عدم امکان استرداد آن اساساً در وضعیتی که خریدار آن را دریافت نموده است، ناشی از فعل یا ترک فعل او نباشد؛

(ب) چنانچه کالا یا بخشی از آن در نتیجه بازرسی موضوع ماده ۳۸ کنوانسیون از بین رفته یا فاسد شده باشد، یا

(ج) چنانچه کالا یا بخشی از آن قبل از اینکه خریدار عدم انطباق را کشف نموده یا می‌بایست کشف می‌نموده است، در جریان معمول تجارت فروخته شده یا توسط خریدار در جریان معمول استفاده، مصرف شده یا تغییر شکل داده باشد.

ماده ۸۳

سایر ضمانت‌های اجرایی موجود طبق قرارداد و کنوانسیون حاضر برای خریداری که حق اعلام فسخ قرارداد یا درخواست تسلیم کالای جایگزین طبق ماده ۸۲ را از دست داده است، محفوظ می‌باشد.

ماده ۸۴

(۱) فروشنده‌ای که ملزم به استرداد ثمن است، باید بهره آن را نیز از تاریخ پرداخت آن، تأدیه کند.

(۲) خریدار در مقابل فروشنده مسئول تمام منافع است که از کالا یا بخشی از آن حاصل شده است:

(الف) چنانچه او باید کالا یا بخشی از آن را استرداد نماید؛ یا

(ب) چنانچه استرداد تمام یا بخشی از کالا یا استرداد تمام یا بخشی از کالا اساساً در وضعیتی که آنها را دریافت

نموده است، برای وی ناممکن باشد، اما با این وجود او فسخ قرارداد را اعلام نموده یا از فروشنده تسلیم

جایگزین کالا را درخواست کرده است.

قسمت ششم: محافظت کالا

ماده ۸۵

چنانچه خریدار در قبض کالا تأخیر نماید، یا هنگامی که پرداخت ثمن و تسلیم کالا باید به صورت همزمان صورت

پذیرد، اگر خریدار ثمن را تأدیه نکند و فروشنده کالا را در تصرف داشته یا به نحو دیگری بر کالا استیلا داشته

باشد، فروشنده باید اقداماتی را که حسب اوضاع و احوال برای محافظت آن لازم است، انجام دهد. اواستحقاق دارد تا زمانی که هزینه‌های معقول توسط خریدار به وی پرداخت نشده است، کالا را حبس نماید.

ماده ۸۶

(۱) چنانچه خریدار کالا را دریافت نموده باشد و بخواهد هر یک از حقوق خود را طبق قرارداد و کنوانسیون حاضر به منظور رد آن اعمال کند، او باید اقداماتی را که حسب اوضاع و احوال برای محافظت کالا معقول است، انجام دهد. او استحقاق دارد تا زمانی که هزینه‌های معقول توسط فروشنده به وی پرداخت نشده است، کالا را حبس نماید.

(۲) چنانچه کالای ارسالی به خریدار در مقصد در اختیار او قرار گرفته باشد و او حق خود نسبت به رد آن را اعمال نماید، باید از طرف فروشنده کالا را تصرف کند مشروط بر اینکه این امر بتواند بدون پرداخت ثمن یا هزینه و بدون زحمت غیر معقول انجام گیرد. ماده حاضر در صورتی که فروشنده یا شخص مأذونی که بتواند از جانب او حفظ کالا را بر عهده بگیرد، در مقصد حاضر باشد، اعمال نمی‌گردد. چنانچه خریدار طبق بند حاضر کالا را تصرف نماید حقوق و تعهدات او تحت شمول بند پیشین قرار خواهد گرفت.

ماده ۸۷

طرفی که ملزم به انجام اقداماتی در جهت حفظ کالا است، می‌تواند آن را به هزینه طرف دیگر به انبار شخص ثالثی بسپارد مشروط بر اینکه هزینه‌های متحمل نامعقول نباشد.

ماده ۸۸

(۱) طرفی که مطابق با ماده ۸۵ یا ۸۶ ملزم به حفظ کالا است، می‌تواند در صورت تأخیر نامعقول طرف مقابل در به تصرف گرفتن کالا یا استرداد آن یا پرداخت ثمن یا هزینه‌های محافظت، کالا را به طرق مقتضی بفروشد، مشروط بر اینکه اخطار معقولی را از قصد خود مبنی بر فروش کالا به طرف دیگر ارسال نموده باشد.

(۲) چنانچه کالا در معرض فساد سریع باشد یا حفظ آن مستلزم هزینه نامعقول باشد، طرفی که طبق ماده ۸۵ یا ۸۶ ملزم به حفظ کالا است، باید اقدامات معقول را در جهت فروش آن انجام دهند. تا حد ممکن او باید اخطاری را از قصد خود به فروش به طرف دیگر ارسال نماید.

(۳) طرفی که کالا را به فروش می‌رساند حق دارد تا از عایدی فروش مبلغی معادل با هزینه‌های معقول حفاظت کالا و فروش آن را برای خود نگه دارد. او باید حساب باقیمانده آن را به طرف مقابل بدهد.

بخش پنجم: مقررات نهایی

ماده ۸۹

بدینوسیله دبیر کل سازمان ملل متحد به عنوان امین کنوانسیون حاضر انتخاب می‌گردد.

ماده ۹۰

کنوانسیون حاضر نسبت به هیچ یک از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که قبلاً منعقد شده یا ممکن است منعقد شود و حاوی مقرراتی در رابطه با موضوعاتی است که تحت شمول کنوانسیون حاضر قرار می‌گیرد، مقدم نمی‌باشد، مشروط بر اینکه محل تجارت طرفین در کشورهای متعاهد چنین موافقتنامه‌ای قرار داشته باشد.

ماده ۹۱

(۱) کنوانسیون حاضر در جلسه پایانی کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا جهت امضاء مفتوح است و تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۱ برای امضای تمام کشورها در مقر سازمان ملل متحد، واقع در نیویورک، مفتوح خواهد ماند.

(۲) کنوانسیون حاضر منوط به تصویب، قبول یا تأیید کشورهای امضاءکننده است.^{۵۰}

(۳) کنوانسیون حاضر از تاریخی که برای امضاء مفتوح می‌شود، برای الحاق تمام کشورهایی که کشورهای امضاءکننده محسوب نمی‌شوند، مفتوح خواهد بود.

۵۰- قبول، تأیید یا تصویب طرق مختلف اعلام رضایت به التزام نسبت به معاهدات به شمار می‌آیند و تفاوت ماهوی میان طرق مزبور وجود ندارد. در حال حاضر در معاهدات چندجانبه منوط کردن امضاء به تصویب و قبول یا تأیید امری رایج محسوب می‌شود. قواعد حاکم بر تصویب بر قبول و تأیید نیز قابل اعمال است و جز در صورتی که معاهده به نحو دیگری مقرر دارد، قبول و تأیید دارای اثر قانونی یکسان با تصویب است. برای مطالعه بیشتر رک به :

Anthony Aust, Handbook of International Law, 64, (Cambridge University Press 2005).

(۴) اسناد تصویب، قبول، تأیید و الحاق باید به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده شود.

ماده ۹۲

(۱) هر یک از کشورهای متعاقد می‌تواند هنگام امضاء، تصویب، قبول، تأیید یا الحاق اعلام نماید که نسبت به بخش دوم کنوانسیون یا بخش سوم آن ملزم نخواهد بود.

(۲) کشور متعاهدی که طبق بند پیشین اقدام به صدور اعلامیه نسبت به بخش دوم یا سوم کنوانسیون حاضر می‌کند، نباید راجع به موضوعات بخشی که تحت شمول اعلامیه است، به عنوان کشور متعاقد در محدوده بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون حاضر در نظر گرفته شود.

ماده ۹۳

(۱) چنانچه هر یک از کشورهای متعاقد دو یا چند واحد ارضی داشته باشد که طبق قانون اساسی آن کشور سیستم‌های حقوقی مختلف نسبت به موضوعات تحت شمول کنوانسیون حاضر قابل اعمال است، می‌تواند در زمان امضاء، تصویب، قبول، تأیید یا الحاق اعلام نماید که کنوانسیون حاضر باید به تمام واحدهای ارضی آن توسعه یابد یا تنها نسبت به یک یا چند واحد از آن قابل اعمال خواهد بود، و می‌تواند در هر زمان دیگری با ارسال اعلامیه دیگر، اعلامیه خود را اصلاح نماید.

(۲) اعلامیه‌های مزبور باید به اطلاع امین کنوانسیون رسانیده شود و باید صریحاً واحدهای ارضی را که کنوانسیون نسبت به آنها توسعه خواهد یافت، مشخص نماید.

(۳) چنانچه به موجب اعلامیه موضوع این ماده، کنوانسیون حاضر نسبت به یک یا چند واحد ارضی و نه همه واحدهای ارضی یکی از کشورهای متعاقد توسعه یابد، و چنانچه محل تجارت یکی از طرفین در کشور مزبور قرار داشته باشد، در راستای اهداف کنوانسیون حاضر، چنین در نظر گرفته می‌شود که محل تجارت مزبور در یکی از کشورهای متعاقد قرار ندارد، مگر اینکه محل تجارت در واحد ارضی قرار داشته باشد که کنوانسیون نسبت به آن توسعه می‌یابد.

(۴) چنانچه یک کشور متعاقد هیچ اعلامیه‌ای طبق بند ۱ ماده حاضر صادر ننموده باشد، کنوانسیون بر تمام واحدهای ارضی کشور مزبور توسعه خواهد یافت.

ماده ۹۴

(۱) دو یا چند کشور متعاقدی که دارای قواعد حقوقی یکسان یا بسیار نزدیک نسبت به موضوعات تحت شمول کنوانسیون حاضر با یکدیگرند، در صورتی که محل تجارت طرفین در کشورهای مزبور قرار داشته باشد، در هر زمانی می‌توانند اعلام کنند که کنوانسیون نسبت به قراردادهای بیع یا انعقاد آنها اعمال نخواهد شد. اعلامیه‌های مزبور می‌تواند مشترکاً یا با اعلامیه‌های متقابل یکجانبه صادر گردد.

(۲) کشور متعاقدی که حاوی قواعد حقوقی یکسان یا بسیار نزدیک نسبت به موضوعات تحت شمول کنوانسیون حاضر با یک یا چند کشور غیرمتعاقد است، در صورتی که محل تجارت طرفین در کشورهای مزبور قرار داشته باشد، در هر زمانی می‌تواند اعلام کند که کنوانسیون نسبت به قراردادهای بیع یا انعقاد آنها اعمال نخواهد شد.

(۳) هرگاه کشوری که موضوع اعلامیه بند پیشین بوده است متعاقباً کشور متعاقد شود، اعلامیه از تاریخی که کنوانسیون در رابطه با کشور متعاقد جدید لازم‌الاجرا می‌شود، اثر اعلامیه صادره تحت بند ۱ را خواهد داشت، مشروط بر اینکه کشور متعاقد جدید به چنین اعلامیه‌ای پیوندد یا اعلامیه یکجانبه متقابلی را صادر کند.

ماده ۹۵

هر کشوری می‌تواند هنگام تودیع اسناد تصویب، قبول، تأیید یا الحاق خود اعلام نماید که نسبت به شق ب بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون حاضر ملزم نخواهد بود.

ماده ۹۶

کشور متعاقدی که قانونگذار آن انعقاد قرارداد بیع یا اثبات^{۵۱} آن را به شکل مکتوب لازم می‌بیند، می‌تواند در هر زمانی اعلامیه‌ای را طبق ماده ۱۲ صادر نماید که طبق آن هیچ یک از مقررات ماده ۱۱، ماده ۲۹، یا بخش دوم

۵۱- همانگونه که در ذیل پاورقی ماده ۱۱ بیان گردید، به نظر می‌رسد که ترجمه واژه «Evidenced» به اثبات صحیح به نظر می‌رسد. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی از واژه مستند استفاده نموده است.

کنوانسیون حاضر که قرارداد بیع، تعدیل آن یا اقاله یا هرگونه ایجاب، قبول، یا سایر اشکال اعلام اراده را به شکل غیر کتبی اجازه می‌دهد، هنگامی که هر یک از طرفین محل تجارت خود را در کشور مزبور دارد، اعمال نگردد.

ماده ۹۷

(۱) اعلامیه‌هایی که در زمان امضاء مطابق کنوانسیون حاضر صادر می‌شوند منوط به تصدیق متعاقب تصویب، قبول یا تأیید می‌باشند.

(۲) اعلامیه‌ها و تصدیق اعلامیه‌ها باید به صورت کتبی بوده و به طور رسمی به اطلاع امین کنوانسیون برسد.

(۳) هر اعلامیه‌ای همزمان با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به کشور مربوطه نافذ خواهد شد. با این وجود، اعلامیه‌ای که امین کنوانسیون گزارش رسمی آن را پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون دریافت می‌کند در اولین روز از ماه، متعاقب انقضای شش ماه از تاریخی که امین کنوانسیون آن را دریافت نموده است، نافذ می‌شود. اعلامیه‌های یکجانبه متقابل تحت ماده ۹۴ در اولین روز از ماه، متعاقب انقضای شش ماه پس از دریافت آخرین اعلامیه توسط امین کنوانسیون نافذ می‌گردد.

(۴) هر کشوری که طبق کنوانسیون حاضر اعلامیه صادر می‌کند، در هر زمانی می‌تواند با اعلان رسمی و مکتوب خطاب به امین کنوانسیون از آن انصراف^{۵۲} نماید. چنین انصرافی در اولین روز از ماه، متعاقب انقضای شش ماه پس از تاریخ دریافت اعلان توسط امین کنوانسیون نافذ خواهد شد.

(۵) انصراف از اعلامیه‌ای که طبق ماده ۹۴ صادر شده است، از تاریخی که انصراف نافذ می‌گردد، هرگونه اعلامیه صادره توسط کشور دیگر طبق همان ماده را بلااثر می‌سازد.

ماده ۹۸

هیچگونه رزروی جز آنهایی که در کنوانسیون حاضر تجویز شده است، پذیرفته نخواهد شد.

۵۲- در ترجمه واژه «Withdrawal» دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی از واژه «استرداد» استفاده نموده است. واژه مزبور در ماده ۱۵ کنوانسیون نیز مورد استفاده قرار گرفته است و در ترجمه حاضر برای هر دو واژه از معادل فارسی «انصراف» استفاده شده است. در نسخه رسمی و عربی کنوانسیون نیز از یک واژه استفاده شده است. شاید به لحاظ ماهوی تفاوتی بین دو واژه نباشد اما برای رعایت ادبیات هماهنگ کنوانسیون استفاده از واژه «انصراف» در این ماده نیز توصیه می‌گردد.

ماده ۹۹

(۱) با رعایت بند ۶ این ماده، کنوانسیون حاضر در اولین روز از ماه، متعاقب انقضای دوازدهمین ماه پس از تاریخ تودیع دهمین سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق از جمله سندی که حاوی اعلامیه صادره طبق ماده ۹۲ است، لازم الاجرا می‌شود.

(۲) هنگامی که کشوری پس از تودیع دهمین سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق، کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تأیید می‌نماید یا بدان ملحق می‌شود، این کنوانسیون به جز بخش مستثنی شده و با رعایت مقررات بند ۶ این ماده، نسبت به کشور مربوطه در اولین روز از ماه، متعاقب انقضای دوازدهمین ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب، قبول، تأیید یا الحاق آن کشور، لازم الاجرا می‌شود.

(۳) کشوری که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تأیید می‌کند یا به آن ملحق می‌شود و متعاهد هر دو یا یکی از کنوانسیون مربوط به حقوق متحدالشکل راجع به انعقاد قراردادهای بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱ ژوئیه ۱۹۶۴ لاهه (کنوانسیون انعقاد ۱۹۶۴ لاهه) و کنوانسیون مربوط به حقوق متحدالشکل راجع به بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱ ژوئیه ۱۹۶۴ (کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه) است، در عین حال باید بر حسب مورد یک یا هر دو کنوانسیون بیع لاهه ۱۹۶۴ و کنوانسیون انعقاد قرارداد لاهه ۱۹۶۴، را ضمن اطلاع به دولت هلند، رد نماید.

(۴) هر کشور متعاهد به کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تأیید می‌کند یا به آن ملحق می‌شود و اعلامیه‌ای را طبق ماده ۹۲ مبنی بر عدم التزام نسبت به بخش دوم این کنوانسیون صادر می‌کند یا صادر نموده است، باید در زمان تصویب، قبول، تأیید یا الحاق با مطلع ساختن دولت هلند، کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه را رد نماید.

(۵) هر کشور متعاهد به کنوانسیون انعقاد ۱۹۶۴ لاهه که کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول یا تأیید می‌کند یا به آن ملحق می‌شود و اعلامیه‌ای را طبق ماده ۹۲ مبنی بر عدم التزام نسبت به بخش سوم این کنوانسیون صادر می‌کند یا صادر نموده است، باید در زمان تصویب، قبول، تأیید یا الحاق با مطلع ساختن دولت هلند، کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه را رد نماید.

(۶) در راستای اهداف کنوانسیون حاضر، تصویب، قبول، تأیید و الحاق کشورهای متعاقد به کنوانسیون انعقاد ۱۹۶۴ لاهه یا کنوانسیون بیع ۱۹۶۴ لاهه نسبت به این کنوانسیون نافذ نخواهد شد مگر اینکه اعلام رد کنوانسیون‌های مذکور از جانب کشورهای مزبور نافذ گردد. امین کنوانسیون حاضر برای تضمین هماهنگی‌های لازم در این خصوص با دولت هلند به عنوان امین کنوانسیون‌های ۱۹۶۴ تبادل نظر خواهد نمود.

ماده ۱۰۰

(۱) کنوانسیون حاضر نسبت به انعقاد قرارداد صرفاً هنگامی اعمال می‌شود که پیشنهاد انعقاد قرارداد در تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون یا پس از نسبت به کشورهای متعاقد ارجاع داده شده در شق الف بند ۱ یا کشورهای متعاقد ارجاع داده شده در شق ب بند ۱ ماده ۱ داده شود.

(۲) کنوانسیون حاضر صرفاً نسبت به قراردادهای منعقد در تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون یا پس از در رابطه با کشورهای ارجاع داده شده در شق الف بند ۱ یا کشورهای متعاقد ارجاع داده شده در شق ب بند ۱ ماده ۱ قابل اعمال است.

ماده ۱۰۱

(۱) هر یک از کشورهای متعاقد می‌تواند با اعلان رسمی و کتبی خطاب به امین، کنوانسیون حاضر، یا بخش دوم یا سوم آن را رد نماید.

(۲) رد در اولین روز از ماه، متعاقب انقضای دوازده ماه پس از دریافت اعلان توسط امین نافذ می‌شود. چنانچه مهلت بیشتری برای نفوذ رد در اعلان مشخص شده باشد، رد، متعاقب انقضای مهلت طولانی مزبور پس از دریافت اعلان از سوی امین، نافذ می‌گردد.